

اتحادیه اروپا:  
مجازات اقتصادی  
در مبارزه با  
تروریسم، روشی  
نامناسب و غیر  
مؤثر است

در پی امضای قانون گسترش مجازات‌های اقتصادی آمریکا علیه شرکت‌هایی که در ایران و لیبی سرمایه‌گذاری می‌کنند، اختلاف کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، ژاپن و روسیه با آمریکا شدت بیشتری یافت.

قانون گسترش مجازات‌های اقتصادی معروف به «قانون داماتو» روز دوشنبه ۱۵ مرداد توسط بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا امضا شد. در این قانون برای شرکت‌هایی که در صنایع نفت و گاز ایران و لیبی بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال سرمایه‌گذاری کنند، مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است. اجرای «قانون داماتو» که از روز دوشنبه با امضای آن توسط بیل کلینتون آغاز شد، اعتراض شدید اعضای بازار مشترک اروپا، روسیه و ژاپن را به شدت برانگیخت. آنان بقیه در صفحه ۲

همزمان با امضای قانون گسترش تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی توسط بیل کلینتون، هواپیماهای نظامی آمریکا مستقر در خلیج فارس به بهانه انجام مانور نظامی وارد حریم هوایی ایران شدند و در بوشهر دیوار صوتی را شکستند. جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۷ مرداد ماه با تسلیم نامه‌ای به پطروس غالی دبیر کل سازمان ملل به این اقدام اعتراض کرد. در این نامه آمده است که یک فروند هواپیمای جنگنده آمریکایی از نوع اف - ۱۵ روز شنبه ۱۳ مرداد وارد حریم هوایی ایران شد و در بوشهر دیوار صوتی را شکست.

در هفتمین روز یک فروند هواپیمای جنگی آمریکا نیز حریم هوایی جزیره ابوموسی در خلیج فارس را نقض کرد و در آسمان این جزیره به مانور پرداخت. در ابوموسی موشک‌های ضد هوایی هاوک و ضد کشتی کرم ابریشم مستقر شده‌اند.

تهدید نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی

● هواپیماهای نظامی آمریکا به حریم هوایی ایران نفوذ کردند

● فرمانده سپاه نیروهای آمریکا در خلیج فارس به محاصره خواهند افتاد

● آمریکا نفوذ به حریم هوایی ایران را تکذیب کرد

در نامه اعلام شده است که بیش از بیست فروند هواپیمای اف - ۱۴ و اف - ۱۵ آمریکا در سال ۲۳/۳۰ روز شنبه ۱۳ مرداد ماه در حدود ۵۰ کیلومتری جنوب بوشهر مشاهده شده‌اند. در این شهر روس‌ها در تدارک تکمیل ساختمان نیروگاه هسته‌ای ایران هستند.

علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه در نامه‌ای جداگانه به دبیر کل سازمان ملل ضمن اعتراض به عملیات آمریکا علیه جمهوری اسلامی درخواست کرد که وی برای جلوگیری از رویدادهایی که ممکن است «عواقب خطرناکی» در منطقه بوجود بیاورد، اقدام کند.

یک روز پس از انتشار خبر نفوذ هواپیماهای آمریکا به داخل خاک ایران، وزارت دفاع این کشور گزارش نقض حریم هوایی ایران را نادرست خواند و تاکید کرد که پرواز جنگنده‌های آمریکا در حریم هوایی بین‌المللی و در چارچوب مانورهای

اعلام شده که جمهوری اسلامی نیز از آن باخبر بوده، صورت گرفته است. هم‌اکنون چندین ناو هواپیمابر و رزمناو آمریکایی با هزاران سرباز در منطقه مستقر هستند. شمار سربازان آمریکایی مستقر در کشتی‌ها که در آبهای خلیج فارس و اطراف آن به حالت نیمه آماده‌باش درآمده‌اند، بیش از ۱۵ هزار نفر است. بخش دیگری از نیروهای آمریکا در شیخ‌نشین‌های منطقه، عربستان سعودی و کویت مستقر هستند.

جمهوری اسلامی اگرچه اقدام نظامی آمریکا را بعید می‌داند اما در مناطقی که جزو اهداف احتمالی عملیات نظامی آمریکا مطرح شده‌اند به تقویت تدابیر امنیتی و دفاعی پرداخته است.

به گزارش روزنامه‌های دولتی واحدهای رزمی سپاه پاسداران روز پنجشنبه گذشته با شرکت ۷۰ هزار بقیه در صفحه ۳

ایران و ترکیه قرارداد  
۲۰ میلیارد دلاری  
امضا کردند

● ایران به مدت ۲۲ سال به ترکیه گاز صادر می‌کند

● آمریکا انطباق جزئیات قرارداد با «قانون داماتو» بررسی می‌کند

امضای قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری ایران و ترکیه در مطبوعات دو کشور و رسانه‌های خبری جهان بازتاب گسترده‌ای داشت. برخی از مطبوعات امضای این قرارداد را تحول بزرگ در

مناسبات تهران و آنکارا و بروز شکاف در حلقه محاصره سیاسی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ارزیابی کردند. بقیه در صفحه ۲



اجلاس سران جمهوری اسلامی، ترکیه، عراق و سوریه  
برای مقابله با کردها

● اربکان: ترکیه به هیچ فرد و گروهی اجازه نمی‌دهد علیه جمهوری اسلامی فعالیت کند  
● رفسنجانی: جمهوری اسلامی اراده سیاسی و نظامی خود را علیه اخلالگران نشان داده است

در صفحه ۲

تحریم اقتصادی و خطر حمله  
نظامی آمریکا به ایران

کلینتون رئیس جمهور آمریکا سرانجام امضاء خود را زیر قانون داماتو که به تصویب دو مجلس آمریکا رسیده بود، گذاشت. و با این امضا گام مهمی در اجرای استراتژی مهار دوگانه و تحریم اقتصادی ایران برداشت. حربه تحریم اقتصادی به جهت مخالفت سایر کشورها و به ویژه اتحادیه اروپا، تاکنون چندان کارساز نبوده است و رژیم اسلامی از شکاف بین آمریکا و متحدین او توانسته است، زبان کمتری خورده است. دولت آمریکا برای مؤثر گردانیدن تحریم اقتصادی و وادار کردن متحدین خود به پیروی از خط مشی آمریکا در مورد حکومت اسلامی، این بار به تحریم شرکت‌های نفتی طرف قرارداد با ایران روی آورده است. این عکس‌العمل دولت‌های اروپایی را برانگیخته است. آمریکا با تصویب این قانون وارد کشمکش جدی با عده‌ای از کشورهای دیگر و به ویژه اتحادیه اروپا شده است. اکنون صحنه دیگری به این صورت درآمده است؛ آمریکا در یکسو و اتحادیه اروپا و حکومت اسلامی در سوی دیگر.

هیچیک از کشورها بجز اسرائیل در کنار آمریکا برای پیشبرد تحریم اقتصادی ایران قرار ندارند. حتی دولت محافظه کار انگلستان نیز به تقابل با آمریکا در این زمینه برخاسته است. هنوز مرکب امضاء قانون داماتو خشک نشده بود که دولت ترکیه متحد نزدیک آمریکا و عضو اتحادیه ناتو، با رژیم اسلامی قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری بست. دولت کلینتون عکس‌العمل تندی در مقابل امضا این قرارداد نشان نداد. این امر دهن‌کجی آشکار از طرف حکومت اسلامی به آمریکا و نشانه غیر قابل اجرا بودن داماتو بود. اگر کلینتون بخواهد مصراحتاً این طرح را به اجرا گذارد، باید به تنش جدی در مناسبات بین آمریکا و متحدین خود تن در دهد و پیامدهای تحریم متقابل اتحادیه اروپا را پذیرا شود.

مؤثر بودن تحریم اقتصادی ایران و اجرای قانون داماتو بشدت زیر سؤال است چرا که دول اروپا حاضر نیستند از منافع اقتصادی خود به نفع آمریکا دست بکشند و به تسلط پلانازع آمریکا در منطقه تن در دهند. اتحادیه اروپا همچنان بر سیاست «گفتگوی انتقادی» پای می‌فشارد.

ما نه استراتژی مهار دوگانه و تحریم اقتصادی ایران را در جهت منافع ملی و برآورد خواست‌های دموکراتیک مردم ایران می‌دانیم و نه سیاست مماشائگرانه اروپا را مؤثر در تغییر سیاست‌های ارتجاعی رژیم اسلامی تلقی می‌کنیم. دولت آمریکا مشخصاً از موضع تضعیف توان اقتصادی و نظامی ایران و تبدیل ایران به یک کشور ضعیف حرکت می‌کند و در صدد حفظ تسلط پلانازع خود در منطقه است و کشورهای اروپایی نیز در پی منافع اقتصادی و تقویت موقعیت خود در منطقه هستند.

گرچه رژیم اسلامی با پیشبرد سیاست‌های ارتجاعی زمینه‌ساز تحریم اقتصادی ایران از جانب آمریکا شده است، ولی سیاست‌های آمریکا در صورت عملی شدنش، برای مردم ما فلاکت و بدبختی ببار خواهد آورد. به ویژه اینکه دولت کلینتون به تحریم اقتصادی بسنده نخواهد کرد. هم‌اکنون مقامات بلند پایه آمریکا و مشاوران کلینتون به وی توصیه می‌کنند که در وارد آوردن ضربه نظامی به رژیم اسلامی تردید نشان ندهد. وزارت دفاع آمریکا طرح ضربه بقیه در صفحه ۸

ناطق نوری پیشنهاد مذاکره با آمریکاراد کرد

ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی هفته گذشته در جمع سفیران و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی به بررسی رئوس سیاست خارجی و وظایف سفرا و فرستادگان رژیم در خارج از کشور پرداخت و از آنان خواست در محل مأموریت خود با تدارک همکاری کنند و به بازاریابی و فعالیت اقتصادی بپردازند.

رئیس مجلس جمهوری اسلامی در گردهمایی سفرا که وزیر امور خارجه هم حضور داشت از کسانی که زمزمه مذاکره با آمریکا را سر می‌دهند و یا معتقد به گفتگو با واشنگتن

هستند به عنوان افرادی ساده‌اندیش نام برد و گفت: مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و ما از مواضع بحق خود به هیچوجه عقب نشینی نخواهیم کرد.

ولایتی وزیر امور خارجه دو هفته پیش در مصاحبه با روزنامه «ایران» ارگان خبرگزاری جمهوری اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا همان گفتگوی انتقادی میان ایران و اروپا می‌تواند بین ایران و آمریکا هم برقرار شود، گفته بود: «این طبیعی‌ترین انتظار ما از آمریکایی‌هاست، آنها هر کاری دلشان می‌خواهد می‌کنند و

جمهوری اسلامی قاچاق مواد نفتی عراق را تکذیب کرد

در سازمان ملل، کشتی‌های حامل نفت قاچاق عراق از منطقه شمالی خلیج فارس وارد آبهای ساحلی ایران شده و پس از پشت سرگذاستن نیروهای متحدین مجدداً وارد آبهای بین‌المللی می‌شوند. در این نامه تاکید شده که عملیات قاچاق نفت عراق با آگاهی و موافقت جمهوری اسلامی و با اخذ حق عبور از قاچاقچیان صورت می‌گیرد. نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل ادعای آمریکا را تکذیب کرد و آن را بخشی از تبلیغات واشینگتن خواند. بر اساس آخرین تصمیم شورای امنیت، دولت عراق اجازه دارد سالانه ۲ میلیارد دلار نفت صادر کند و ارز حاصل از آن را زیر نظر شورای امنیت خرج کند. بخشی از آن، به عنوان غرامت جنگی به حساب دولت کویت واریز می‌شود و کویت آن را به عنوان بدهی‌های نظامی به آمریکا می‌دهد.

آمریکا جمهوری اسلامی را به نقض قانون تحریم اقتصادی عراق متهم کرد. نماینده آمریکا در سازمان ملل با ارسال نامه‌ای به کمیته تحریم شورای امنیت اعلام کرد کشتی‌های حامل مواد نفتی عراق برای گریز از کنترل نیروهای بین‌المللی در خلیج فارس با همکاری جمهوری اسلامی از داخل آب‌های ساحلی ایران عبور می‌کنند. بر اساس گزارش نماینده آمریکا

نیازها و همبستگی‌های  
جمهوری اسلامی  
و دولت اربکان  
در صفحه ۳

در این شماره

- برای حفظ جان زنان  
آیا هنوز هم ضرورت تأسیس  
«خانه‌های امن»  
احساس نمی‌شود؟  
مهرانگیز کار  
صفحه ۷
- چپ چیست؟ و کیست  
علی بهرامی  
صفحه ۸

- حجاب اجباری علیه  
دموکراسی  
فاطمه مرئسی  
صفحه ۷
- از زندگی  
کارگران و زحمتکشان  
صفحه ۱۱

یادداشت

هوشیاری

از هر دو جنبه ضروری است

انتشار یک نامه بدون نام و مشخصات نویسنده در ماهنامه «آرش» پیرامون فعالیت یک نشریه چپ در داخل کشور و پاسخ‌هایی که به این نامه داده شد (گزارش آن در شماره گذشته «کار» درج شد)، فعالیت نشریه‌ها را غیرقانونی و مخفیانه «اندیشه نو» و جریان «اتحاد چپ دموکراتیک» را به سطح نشریات خارج از کشور کشاند و مورد نقد و بررسی قرار داد. کسی که متأسفانه معلوم نیست چه کسی است، این نشریه و فعالیت «اتحاد چپ دموکراتیک ایران» را به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نسبت داده و داوری‌های موافق و مخالفی را برانگیخته است.

ما از حدود یک سال پیش در جریان انتشار این نشریه و فعالیت جریان فوق در داخل کشور که جهت‌گیری چپ و سوسیالیستی دارد، قرار گرفتیم. اما برای کسب اطلاع بیشتر، سکوت را ترجیح دادیم. اما اکنون که اصالت فعالیت این جریان مورد بحث و پرسش قرار گرفته است، به دلیل حساسیت مسأله، حق خود و همه مبارزین چپ می‌دانیم که بخواهیم اگر کسانی در طرح ادعای خود دلایل قابل اتکایی دارند، آنان را در اختیار همه فعالین چپ قرار دهند تا از بروز یک فاجعه و توطئه احتمالی وزارت اطلاعات حکومت اسلامی جلوگیری شود. از نظر ما افشا و بی‌اثر ساختن یک توطئه احتمالی به همان اندازه اهمیت دارد که پرهیز از داوری‌های شتاب زده و نسنجیده و بازی با اعتبار و حیثیت کسانی که کمر به مبارزه با استبداد بسته باشند.

بدینی نسبت به آن چه اینکه مورد بحث قرار گرفته است، می‌تواند دلایل واقعی داشته باشد. اقدامات وزارت اطلاعات حکومت اسلامی برای نفوذ در سازمان‌های سیاسی و گسترده دام برای کسانی که می‌خواهند فعالیت منظمی علیه استبداد داشته باشند، واقعیت چنان روشنی است که هیچ کس نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. حکومت اسلامی برای اجرای چنین اقداماتی نسبتاً گسترده و دست نخورده‌ای در اختیار دارد. زمان نیز بر تشدید اقداماتی از این دست گواهی می‌دهد. با توجه به موج نارضایتی که در جامعه وجود دارد و فعالیت‌ها و تحولاتی که علیه استبداد به چشم می‌خورد، کاملاً قابل انتظار است که رژیم جذب مبارزین تشنه آزادی به فعالیت‌هایی که تحت کنترل و زیر نظر وزارت اطلاعات حکومت باشند، را در دستور کار خود قرار دهد. و این نیز قابل پیش‌بینی است که مبارزین چپ هدف این دام‌گستری باشند. اما واقعیت دیگری هم وجود دارد. در سال‌های گذشته، هر فعالیتی که در داخل ایران صورت گرفته است و هر صدای مخالفی که بیرون از دایره حکومتگران شنیده شده است، مورد تردید قرار گرفته است. تردیدهایی که زمان نشان داد برخی از آنان بی‌مورد بوده است. این نیز کاملاً قابل انتظار است که رژیم در کنار اقداماتی که برای به دام انداختن مخالفین در فعالیت‌های هدایت شده از سوی وزارت اطلاعات انجام می‌دهد، خود به پیش و دامن زدن به تردیدها پیرامون فعالیت مخالفین دامن زدن تا آنان را بی‌اعتبار کند. دشواری کار در تشخیص دام‌های واقعی و شایع است که از سوی رژیم پراکنده می‌شود و از همین رو باز جا دارد این درخواست را تکرار کرد که در این میدان همه مبارزین واقعی مسئولند با حساسیت تمام به تشخیص دام‌های وزارت اطلاعات کمک کنند و شایعات و تردیدهایی را که به منظور تضعیف روحیه مبارزه در داخل کشور دامن زده می‌شود، بی‌اثر سازند.

واقعیت در ایران به گونه‌ای در حال تغییر است که شاید برای بسیاری از کسانی که (به ویژه در خارج از کشور) به قدر قدرتی وزارت اطلاعات و دیگر نیروهای سرکوبگر حکومت خو کرده و امکان فعالیت سیاسی در کشور را با بدبینی می‌نگرند، درک آن دشوار باشد. شواهد حاکی از آن است که در دیوار استبداد و در فضای رعب و وحشتی که سال‌ها بر کشور حاکم بود، شکاف ایجاد شده است و حرکتی آرام اما پیوسته در جهت تجدید فعالیت‌های سیاسی در جریان است که طیف نیروهای چپ نیز از آن برکنار نیستند. تشخیص تفاوت میان آن چه رژیم در این میدان آگاهانه صورت می‌دهد و تدارک جریان سازنده‌هایی که به قصد کنترل و شناسایی فعالیت‌های سیاسی صورت می‌گیرد با تلاش‌های اصیل و واقعی که برای احیای فعالیت‌های سیاسی در کشور صورت می‌گیرد، بسیار ضرور و بسیار مهم است. ما مسئولیت خود می‌شناسیم نسبت به خطراتی که در برابر مبارزین وجود دارد و دام‌هایی که وزارت اطلاعات حکومت می‌گسترده، هشدار بدهیم. اما این را نیز مسئولیت خود می‌شناسیم نسبت به تلاش‌هایی که به هر مبارزه‌ای در داخل کشور با بدینی می‌نگرد و به توطئه‌هایی که برای بی‌اعتبار ساختن این تلاش‌ها صورت می‌گیرد نیز هشدار بدهیم. زمینه برای گسترش فعالیت‌های سیاسی علیه استبداد، و از جمله از موضع چپ فراهم است.

بقیه از صفحه اول

براساس این قرارداد جمهوری اسلامی از سال ۱۹۹۹ به مدت ۲۲ سال گاز طبیعی به ترکیه صادر خواهد کرد. حجم گاز صادراتی ایران به ترکیه با ۲ میلیارد متر مکعب در سال آغاز و در سالهای آتی به ۱۰ میلیارد متر مکعب افزایش خواهد یافت. برای انتقال گاز قرار است خط لوله‌ای به طول ۱۲۳۰ کیلومتر احداث شود. ۲۷۰ کیلومتر از این خط لوله در خاک ایران و ۱۱۶۰ کیلومتر آن در داخل ترکیه خواهد بود. طبق اظهار وزارت امور خارجه ترکیه در گفتگوهای پیشین، دولت ترکیه تعهد کرده بود هزینه احداث خط لوله در خاک ایران را که از تبریز تا مرز دو کشور می‌باشد بر عهده گیرد اما با توجه به تصمیم جدید آمریکا مبنی بر مجازات سرمایه‌گذاران خارجی در صنایع نفت و گاز ایران، در قرارداد جدید سخنی از این تعهد در میان نیست و جمهوری اسلامی برای تشویق ترکیه به امضای قرارداد از این تعهد

اتحادیه اروپا:

مجازات اقتصادی در مبارزه با تروریسم،

روشی نامناسب و غیر مؤثر است

بقیه از صفحه اول

معتقدند که «قانون داماتو» ناقص حقوق بین‌الملل، اصول سازمان جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی «دی.ای.سی.دی» و تجارت آزاد بین ملت‌هاست. کلیتون روز دوشنبه به هنگام امضای قانون مجازات‌ها تاکید کرد که اگر اروپائیان حاضر به همکاری مشترک علیه جمهوری اسلامی و لیبی نباشند، آمریکا ناگزیر است به تنهایی اقدام کند. کشورهای اروپایی که بازارهای مصرف ایران و لیبی را در اختیار دارند و ۲۰ درصد سوخت مورد نیاز خود را از این دو کشور تأمین می‌کنند، آشکارا با تصمیم آمریکا ابراز مخالفت کرده‌اند و هشدار داده‌اند که در صورت اجرای «قانون داماتو» به اقداماتی تلافی‌جویانه دست خواهند زد. علاوه بر اعتراض رسمی اتحادیه اروپا، هر یک از کشورهای نیز به اشکال مختلف از تصمیم آمریکا ابراز ناسخسندی کرده‌اند. یادداشت اعتراضی اروپا را سفیر ایرلند در آمریکا به وزارت امور خارجه این کشور تحویل داد. ایرلند ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد. سخنگوی اتحادیه اروپا در پاسخ به درخواست کلیتون برای همکاری

مشترک اظهار داشت که کشورهای عضو بازار مشترک با مبارزه علیه تروریسم و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی موافقت اما با قطع گفت و شنود استقاده‌آمیز و اعمال مجازات‌های اقتصادی مخالفتند و روش آمریکا را نامناسب و در مبارزه با تروریسم بین‌المللی غیر مؤثر می‌دانند. دولت فرانسه که تلاش دارد رهبری مخالفان را به دست گیرد در یک واکنش تند اعلام کرد در صورتی که شرکت‌های فرانسوی به خاطر تجارت با ایران و لیبی مجازات شوند، این کشور به اقدام متقابل دست خواهد زد. شرکت‌های نفتی «الف» و «توتال» فرانسوی هدف مستقیم قانون داماتو هستند.

دولت‌های روسیه و هلند «قانون داماتو» را یکجانبه و تأثیر مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون را فراتر از مرزهای آمریکا ارزیابی کردند و آن را ناقص قرار داده‌ای چند جانبه‌بازرگانی و استقلال هر یک از کشورهای خواندند. دولت آلمان، پایه‌گذار سیاست گفتگوی انتقاد آمیز با تاکید بر اصولی بودن سیاست خود، تصمیم آمریکا را «نامناسب» توصیف کرد. و دولت

ایتالیا یکی از مهمترین طرف تجارت لیبی «قانون داماتو» را زیر پا گذاشتن منافع سایرین خواند. حجم مبادلات ایتالیا با لیبی بیش از ۵ میلیارد دلار است و ایتالیا یک پنجم واردات این کشور را تأمین می‌کند.

نشانه‌های نرمش در

برخورد آمریکا

روزنامه‌های آلمان چند روز پس از امضای «قانون داماتو» و ابراز مخالفت رسمی اتحادیه اروپا با اجرای این قانون، به نقل از منابع وزارت امور خارجه آمریکا نوشتند که واشینگتن تصمیم گرفته است برای جلب دوستان خود انتظاف بیشتری نشان دهد و اختلافات را از طریق دیپلماتیک برطرف کند. بنابه اظهارات مقامات وزارت امور خارجه آمریکا، در قانون گسترش مجازات‌های اقتصادی، رئیس جمهور از اختیارات کافی برخوردار است و می‌تواند به صلاحدید خود مجازات برخی از شرکت‌ها را نادیده بگیرد و یا تخفیف دهد. اتحادیه اروپا قصد دارد در اجلاس آتی خود در مورد راه‌های مقابله با مجازات‌های آمریکا بحث و گفتگو کند.

مجازات‌های قانون

«داماتو»

قانون گسترش مجازات‌های اقتصادی آمریکا علیه شرکت‌هایی که در ایران و لیبی سرمایه‌گذاری می‌کنند، ۵ مورد مجازات پیش‌بینی کرده است که رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند با توجه به منافع این کشور دو مورد از آنها را برای مجازات شرکت و یا شرکت‌های مختلف انتخاب کند و به اجرا بگذارد. این قانون مکمل قوانینی است که تاکنون آمریکا برای عملی شدن سیاست تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی تصویب کرده است. هدف قانون «داماتو» آن است که کمبودهای اقدامات پیشین جبران شود و از سرمایه‌گذاری دولت‌ها و شرکت‌های خارجی در صنایع نفت و گاز ایران و لیبی جلوگیری گردد. بر اساس این قانون هر شرکتی که در سال بیش از ۴۰ میلیون دلار در بخش‌های نفت و گاز ایران و لیبی سرمایه‌گذاری کند، مشمول مجازات خواهد بود. مجازات پیش‌بینی شده در «قانون داماتو» عبارتند از: محرومیت شرکت متخلف از صادرات کالا به آمریکا، محرومیت از پشتیبانی مالی «اکزیم بانک» که مسئولیت اعطای تسهیلات صادراتی به شرکت‌ها را بر عهده دارد، محرومیت از دریافت وام - بیش از ده میلیون دلار - از بانکهای آمریکایی، محرومیت از دریافت چک‌ها و صدور تکنولوژی آمریکایی به خریداران و محرومیت شرکت متخلف از فروش کالا و خدمات به دولت فدرال آمریکا.

چهار کشور ایجاد شود. به همین منظور نیز همزمان با سفر اربکان به تهران، یک هیأت اقتصادی و نظامی ترک به سرپرستی شوکت کازان وزیر دادگستری به بغداد رفت تا طرح تشکیل اجلاس مشترک را با صدام حسین در میان بگذارد. دولت سوریه روز یکشنبه گذشته به هنگام دیدار محمود الزعبی نخست‌وزیر این کشور از تهران در جریان مذاکرات مربوط به کردها و پیشنهاد تشکیل اجلاس سران چهار کشور قرار گرفت. حافظ اسد رسماً از سوی اربکان برای دیدار از ترکیه دعوت شده است. صدام حسین در دیدار با شوکت کازان وزیر دادگستری ترکیه ابراز امیدواری کرد که این کشور در قبال عراق «سیاست مستقل و به دور از نفوذ دیگران» اتخاذ کند. اربکان انتظار دارد که در مقابل گسترش مناسبات سیاسی ترکیه با عراق و ایران، آنها بخش ترک‌نشین قبرس را به رسمیت بشناسند و از الحاق آن به ترکیه حمایت کنند.

اجلاس سران جمهوری اسلامی، ترکیه، عراق و سوریه

برای مقابله با کردها

بقیه از صفحه اول

رفسنجانی مسئله کردها و جلوگیری از فعالیت مخالفان جمهوری اسلامی در ترکیه جای ویژه‌ای داشت و طرفین توافقنامه تازه‌ای برای مقابله با کردها و کنترل مرزها امضا کردند. در این دیدار اربکان خواستار توسعه همکاری‌های نیروهای مسلح دو کشور برای حفظ و تقویت «امنیت» مرزهای مشترک شد و آن را شرط لازم برای ادامه روابط میان ترکیه و جمهوری اسلامی خواند. وی تاکید کرد: ضرورت گسترش روابط اقتصادی ایجاب می‌کند که هماهنگی میان نیروهای مسلح دو کشور برای تأمین امنیت مرزها بیشتر شود. اربکان از طرف دولت ترکیه رسماً به جمهوری اسلامی اطمینان داد که «ترکیه به هیچ فرد و یا گروهی اجازه نمی‌دهد در این کشور علیه جمهوری اسلامی فعالیت

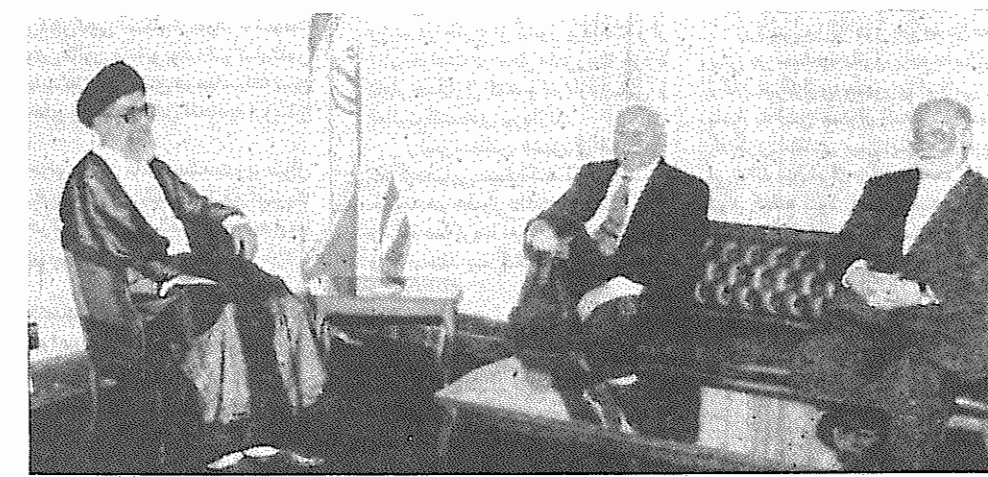
سیاسی کند». رفسنجانی با استقبال از پیشنهاد همکاری نظامی با ترکیه برای جلوگیری از فعالیت کردها، اظهار داشت: «ایران اراده سیاسی و نظامی خود را برای مقابله با اخلاک‌گراان آرایش و امنیت مرزهای مشترک دو کشور نشان داده است و هیچ گروهی اجازه برهم زدن نظم و امنیت در مرزهای ترکیه را از طرف ایران نمی‌دهد». در دیدار اربکان و رفسنجانی طرفین با تشکیل اجلاسی از سران عراق، ترکیه، سوریه و جمهوری اسلامی برای حل مسأله کردها توافق کردند. اربکان خواستار آن است که برای ایجاد «امنیت» در شمال عراق و جلوگیری از تحرک پارتیزانهای کردها، یک نیروی نظامی مشترک توسط

ایران و ترکیه قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری امضا کردند

در حال حاضر ترکیه روزانه به ۹ میلیارد متر مکعب گاز نیاز دارد. ۶ میلیارد متر مکعب آن از روسیه و ۳ میلیارد متر مکعب آن از الجزایر وارد می‌شود. بر اساس ارزیابی وزارت انرژی ترکیه، گاز مورد نیاز این کشور تا پایان سال ۹۸ به ۱۶ میلیارد متر مکعب در سال و تا ده سال دیگر به ۳۰ میلیارد متر مکعب افزایش خواهد یافت.

دولت ترکیه همزمان با امضای قرارداد خرید گاز طبیعی از ایران، قراردادهای مشابهی با عراق و لیبی امضا کرد و قرار است در آینده نزدیک صدور نفت عراق به ترکیه که از سال ۹۱، متوقف شده است، از سرگرفته شود.

ایران و ترکیه قراردادهای جداگانه‌ای در پاره افزایش مبادلات دو کشور به ۲/۵ میلیارد دلار در سال، صدور ۶ میلیون تن نفت به ترکیه و مبادله انرژی برق در مناطق مرزی امضا کردند.



ارزان‌بودن، همچنین به ترکیه این امکان را می‌دهد که منابع تأمین انرژی خود را متنوع‌تر سازد و از وابستگی و تأثیر نوسانات اقتصادی و سیاسی روسیه و الجزایر که بخش مهمی از انرژی مورد نیاز ترکیه را تأمین می‌کنند، بکاهد.

کمتراز پولی است که این کشور هم اکنون بابت هر متر مکعب گاز روسیه می‌پردازد. در چندین سال آینده با توجه به گرایش عمومی به مصرف گاز و استفاده از منابع طبیعی انرژی قیمت آن افزایش خواهد یافت. خرید گاز از ایران، علاوه بر

خواستار بررسی جزئیات قرارداد هستند و معتقدند که این قرارداد مشمول «قانون داماتو» است. بنابه سخنان مصطفی مرادخان رئیس شرکت دولتی «بوتاش» پولی که ترکیه بابت خرید هر متر مکعب گاز به ایران پرداخت خواهد کرد ۲۵ در صد

## نیازها و همبستگی‌های جمهوری اسلامی و دولت اربکان

هفته‌ای پس از امضای قانون داماتو توسط بیل کلینتون، دایر بر مجازات طرفهای معاملات نفتی با ایران و لیبی، در صورتی که مبلغ سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار باشد، اربکان نخست‌وزیر ترکیه راهی تهران شد و با مقامات جمهوری اسلامی قراردادی را به مبلغ ۲۰ میلیارد دلار به امضاء رساند. در کنار قراردادهای مزبور قراردادهای موافقت‌نامه‌های دیگری هم به امضاء رسید. اما قرارداد ۲۰ میلیاردی گاز بیشترین بازتاب را در نشریات بین‌المللی داشت. آیا هدف اصلی اربکان در این سفر انعقاد این قرارداد بود؟ جمهوری اسلامی در این ماجرا چه اهدافی را پی می‌گیرد اربکان رهبر نهضت اسلامی و بنیادگرایان ترکیه است. حزب وی، حزب رفاه است. شعارهای رادیکال ضد غربی و ضد آمریکایی، با شعار خروج از ناتو، با هدف استقرار یک دولت اسلامی در جامعه بحرانه‌زده ترکیه و با تکیه به نیروی سنت‌گرایان مسلمان بیشترین آراء را در میان احزاب سیاسی ترکیه به خود اختصاص داد. اربکان برای کسب قدرت با حزب راه راست به ائتلاف پرداخت. اربکان بلافاصله پس از ائتلاف و کسب قدرت در دریافت که باید چه‌رادی پراگماتیک و واقع‌گرا از خود به نمایش بگذارد. ترکیه عضو ناتو و بنادهای تسنگ‌تنگ با اتحادیه اروپاست. در شرایطی که ادامه حکومت حزب رفاه منوط به تداوم ائتلاف با حزبی سکولار و غرب‌گراست که هر لحظه می‌تواند با شکستن ائتلاف، دولت اربکان را به سقوط بکشانند، در کشوری که نظامیان قدرتمندانه در سیاست اعمال نفوذ می‌کنند و در مواجهه با ایوزیونی می‌روند از کردها و احزاب چپ اربکان خود را ناچار دیدند سیاست‌های اسلام‌گرایانه‌اش را در داخل ترکیه تا به شکل جدی تعدیل کند، بر گور آتاتورک ادای احترام کند، بر عضویت ترکیه در ناتو پای فشارد و برنامه‌های اقتصادی دولت خانم چیلر را با تغییراتی جزئی ادامه دهد.

در شرایط وجود چنین وضعیتی در ترکیه، اربکان در گام نخست نیاز به آن داشت که چهره اسلامی‌اش را در نزدیکی به دیگر کشورهای اسلامی به نمایش بگذارد. به بیان دیگر، اسلام‌گرایی در سیاست خارجی برای اربکان در درجه نخست در خدمت سیاست داخلی و برای مصرف داخلی است. سفر وی به کشورهای اسلامی، مجموعه قراردادهایش با رژیم جمهوری اسلامی، اعزام نزدیک‌ترین همکار حزبی‌اش، شوکت فزان، وزیر دادگستری ترکیه به عراق برای دیدار با صدام حسین، قرار سفر به دمشق، قرارداد نفتی با لیبی و تعویق امضای همکاری‌های نظامی با اسرائیل از جمله تحرکات دیپلماتیک اخیر اربکان بوده است. این اقدامات، با وجود مخالفت و حساسیتی در غرب برنیا نگیخت. قرارداد گاز منعقد شده با رژیم ایران نیز با وجود اینکه از نظر اقتصادی تا حد زیادی به نفع دولت ترکیه است، اما قابل پیش‌بینی است که قرارداد مزبور به خاطر نبود ۱/۳ میلیارد دلار سرمایه کافی برای احداث خط لوله آن، از جانب ترکیه، عملاً حداقل تا مدتی به حالت تعلیق درآید. بر این اساس قرارداد مزبور برای طرفین ایران و ترکیه بیشتر اهمیت سیاسی داشته است.

اما جنبه‌ای دیگر و شاید هدف اصلی نخست‌وزیر ترکیه از سفر به تهران را باید در راستایی دیگر جستجو کرد. حزب رفاه، نظامیان ترکیه و ناسیونالیست‌های حزب راه راست در ضدیتشان با جنبش کردهای ترکیه و خواسته‌های آنان وجه اشتراک زیادی دارند. از اهداف اصلی و کمتر بازتاب یافته اربکان در تحرکات اخیر دیپلماتیکش، ایجاد هماهنگی و همکاری با کشورهای همسایه در سرکوب کردهاست. جمهوری اسلامی و دولت ترکیه تصمیم گرفته‌اند همکاری‌های نظامی و سیاسی خود در این زمینه را از سرگیرند و کاملاً تقویت کنند. این همکاریها با تیره شدن مناسبات ترکیه و جمهوری اسلامی قطع شده بود. جمهوری اسلامی همزمان با سرکوب کردهای ایرانی، دست نیروهای حزب کارگران کرد (پ.کا.کا) را تا حدی باز گذاشته بود. در چندین مورد هواپیماهای ارتش ترکیه در تعقیب چریکهای پ.کا.کا، وارد حریم هوایی ایران شدند. اکنون این گونه اقدامات با هماهنگی دو طرف صورت خواهد گرفت. این جنبه از هماهنگی‌های دولت‌های ایران، ترکیه و عراق احیای پیمان نظامی سعدآباد و بعدتر پیمان بغداد در ۱۹۵۵ را به ذهن می‌آورد. از نظر جمهوری اسلامی اهمیت امضای قرارداد فروش گاز به ترکیه در درجه نخست شکستن فضای ایجاد شده ناشی از امضای قانون تحریم توسط کلینتون، در شرایط کشمکش اروپا و آمریکا بود. این قرارداد از نظر اقتصادی باید مورد نقادی کارشناسان قرار گیرد اما آنچه که روشن است، تصویب قانون تحریم باعث شده است جمهوری اسلامی بر تردیدهای چندین ساله‌اش در امضای این قرارداد غلبه کند. در تقابل با قانون تحریم، برای جمهوری اسلامی امضاء قرارداد فروش گاز از نظر سیاسی یک پیروزی محسوب می‌شد. بر همین مبنا، دولت ترکیه، جمهوری اسلامی را آماده دادن امتیازات سیاسی و اقتصادی تشخیص داد. به رسمیت شناختن دولت مستقل ترکی در بخش ترک‌نشین قبرس از جمله امتیازاتی است که دولت اربکان از جمهوری اسلامی طلب می‌کند.

## تهدید نظامی آمریکاعلیه جمهوری اسلامی

هیچ مسئله نظامی نیست ولی اگر آمریکا خطایی در خلیج فارس مرتکب شود، تمامی نیروهایش در این منطقه به محاصره خواهند افتاد. بازتاب خبر تهدید نظامی آمریکا در میان مردم، خاصه مناطق جنگ‌زده جنوب نگرانی شدیدی بوجود آورده است. مردم نگران اقدامات آمریکا و واکنش جمهوری اسلامی هستند.

## مطبوعات مشکل لاینحل رژیم

اما نگاه‌های حکومت همچنان در کار محکومیت، محرومیت و جرم‌های نقدی روزنامه‌نگاران و تعطیل روزنامه‌ها هستند. گروههای فشار و باندهای سیاهی نظیر انصار حزب‌الله نقش پیشگراول رژیم در حمله به مطبوعات را بر عهده گرفته‌اند. آنان نخستین هشدارها و فرامین را صادر می‌کنند و سپس دادگاه ویژه مطبوعات به فشار این باندهای سیاه جنبه قانونی می‌دهد و روزنامه‌نگاران را مسجرات می‌کند و روزنامه‌های خطاکار را می‌بندد. تعطیل هفته‌نامه بهمن و مجازات مدیر مسئول آن، تعطیل هفته‌نامه پیام دانشجو و مجازات مدیر مسئول آن و مجازات مدیر مسئول روزنامه اخبار که همگی پس از انتخابات صورت گرفته است، نشانه آن است که تیغ سانسور و سرکوب به طور اساسی متوجه روزنامه‌های وابسته به جناحهای کم‌تر قدرتمند و یا ناراضی وابسته به حکومت شده است. کمتر روزنامه و نشریه وابسته به جناحهای حکومت از اثرات و تبعات این موج فشار برخوردار مانده است. حضور دائم چماقداران انصار حزب‌الله در خیابانها، پشتیبانی سران حکومت از اقدامات سرکوبگرانه آنها، محکومیت پی‌در پی روزنامه‌نگاران و اخطارهای کمتر علنی و بیشتر پشت پرده‌ای که برای روزنامه‌ها و مجلات فرستاده می‌شود، مطبوعات قانونی را دچار هراس و خودسانسوری کرده است. در طول هفته‌های اخیر اخبار غیر رسمی و تفسیر و تحلیلهای انتقادی در صفحات روزنامه‌ها جای خود را به اخبار و تفاسیر رسمی و یک‌دست منابع خبری رسمی جمهوری اسلامی داده است. برخی روزنامه‌ها در پاسخ به خرواندگی خود تایید می‌کنند که در روزنامه‌هایشان دیگر هیچ مطلب درخور و خواندنی یافت نمی‌شود. مجلات مستقل از حکومت نیز در فضای رعب و وحشتی که علیه مطبوعات افزیده شده است، به ناچار محتاط‌تر از پیش شده‌اند.

وقتی سران رژیم در نخستین سالهای پس از انقلاب قلمها را شکستند و زبانها را بریدند، شاید هرگز فکر نمی‌کردند که حضور مطبوعات نافرمان در جامعه، به چنین حضوری همیشگی و دائمی و ناراحت کننده تبدیل شود. آنان نمی‌مانند همه دیکتاتورها، سرکوب قلمهای نافرمان و یا مطیع ساختن آنان به اوامر قدرت و آسان‌تر از آن می‌پنداشتند که بود. ۱۷ سال حکومت به آنان نشان داد که چنین نیست و اگر آنها توانستند روزنامه‌ها و مطبوعاتی را که علناً به مخالفت با استبداد روحانیون پرداخته بودند خاموش کنند و یا به تبعید برانند، پیش در تنگنا قرار خواهد داد.

## برنامه ۲۵ ساله و تمدن اسلامی

بر اساس گزارش روزنامه کیهان هاشمی رفسنجانی در نشستی با هیأت دولت بر «لژوم بررسی دقیق و جامع افق توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۰ (ه.ش) با هدف تحقق تمدن اسلامی» تاکید نموده و به دستور او قرار شده تا کارشناسان سازمان برنامه و بودجه، بررسی این مسئله را در دستور کار خود قرار دهند. این سازمان قرار است تا طرحی را برای توسعه و سازندگی ۲۵ سال آینده ایران تهیه کند. همچنین از دانشمندان، محققان و صاحب‌نظران کشور دعوت بعمل آمده تا در تحقق این هدف با دولت همکاری لازم را بعمل آورند. روزنامه کیهان هم با افتخار برای درج مقالات صاحب‌نظران اعلام آمادگی نموده است. اعلام آمادگی مردم، پائین آمدن ارزش پول کشور، عدم افزایش تولید ناخالص داخلی و تعطیلی کارخانجات موجود، عدم توانایی بازپرداخت

## پرسشی که از آن گریزی نیست

برخی حوادث سیاسی و اجتماعی چنانچه که بر نسلهای مردم و دهه‌های تاریخ یک کشور اثراتی ماندنی و پایدار می‌گذارند و سپر حوادث و تحولات آینده را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهند. چنین است کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ در ایران. کودتایی که با سرنگون کردن دولت قانونی دکتر محمد مصدق به توطئه مشترک دربار پهلوی و آمریکاییان، ملتی را برای چند دهه در زیر سلطه خارجی قرار داد و ثروت‌های ملی و شرف و حیثیت آن را به حراج نهاد، به برقراری استبدادی خونین انجامید، صدها مبارز ملی و چپ و از جمله دهها افسر شریف ارتش را در برابر چوچه‌های اعدام قرار داد و به کنج زندانها کشاند، رهبر محبوب ملت را به تبعید و خانه‌نشینی و دربردی راند و دوران ناخوشایندی را در حیات مردم ما پایه گذارد. این کودتا در شکل‌گیری حوادث و اتفاقات سالها و دهه‌های بعد و مسیر تحولات کشور ما تأثیرات تعیین کننده‌ای نهاد و حتی حادثه‌ای به بزرگی انقلاب بهمن توانست آن را به فراموشخانه تاریخ براند. روان و ذهن مردم و پیکره کشور ما هنوز از زخمهای این کودتا التیام نیافته است.

«۲۸ مرداد»، ۴۳ سال پس از وقوع آن و ۱۷ سال پس از انقلابی که کودتاگران را از قدرت به زیر کشاند، هنوز در حوادث سیاسی کشور ما حضوری مؤثر دارد. هنوز تحلیلهای تفسیرها در باره کودتا یکسان نشده و داوریه‌ها پیرامون این حادثه با جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی آمیخته است. زیرا باز یکران این کودتا و یا بازماندگان و وارثان آنان هنوز در سیاست نقش آفرینند و نیروهای سیاسی و اجتماعی که این واقعه را شکل دادند، در صحنه سیاسی کشور حضور دارند و از همان منافع و جهت‌گیری‌های دفاع می‌کنند که در مجموع موجبات کودتای ۲۸ مرداد را فراهم آورد. سایه «۲۸ مرداد» هنوز بر مناسبات میان گروه‌بندی‌های سیاسی و اجتماعی کشور سنگینی می‌کند. تلاش برای راندن این حادثه به فراموشخانه تاریخ که به طور عمده از سوی سلطنت‌طلبان صورت می‌گیرد، دلایل معین سیاسی دارد و با مقاصد نامشروعی همراه است. این نیروها امروز نیز همان هدفی را در پیش رو قرار داده‌اند که کودتای ۲۸ مرداد پیش رو قرار داده بود، یعنی بازگرداندن خاندان پهلوی به قدرت و احیای سلطنت در ایران. گروهی از آنان بر تمامی تاریخ ۵۷ ساله سلطنت این

خاندان مهر تایید می‌گذارند و از عملکردهای آن و از جمله کودتای ۲۸ مرداد دفاع می‌کنند. اعتبار اندیشه‌ها و اعمال این گروه از سلطنت‌طلبان تنها در محدوده هواداران باقی مانده است. اما مشروطه‌خواهانی که به دموکراسی و حق مردم در انتخاب حکومت اعلام وفاداری کرده‌اند، نیز هنوز دل‌بستگی‌های آشکار و پنهان خود را نسبت به کودتایی که حکومت قانونی مصدق را به زیر کشاند، شاه را به قدرت برگرداند و آمریکا را بر سرنوشته کشور ما چیره ساخت، پنهان نمی‌کنند. در بهترین حالت، برای شانه خالی کردن از پرسشی که در برابر آنان قرار دارد، سکوت پیشه کرده و به منتقدین خود اندرز می‌دهند گذشته و به عامل تفرقه‌نازاند. نه سکوت و نه اندرزهای اینگونه، انتظاراتی را که در این مورد وجود دارد، پاسخ نمی‌دهند. این گروه بیش از هر نیروی دیگری مسئول و موظف به روشن ساختن نظر صریح خود نسبت به جنایتی هستند که در ۲۸ مرداد کشور ما را در خون و دیکتاتوری و وابستگی فرو برد. آیا آنان انجام چنین جنایاتی را برای آن چه که در آینده می‌خواهند، منظور می‌شمارند و به طور صریح و آشکار تعهد می‌سپارند که هدف احیای سلطنت در ایران را از طریق چنین کودتاها و جنایاتی دنبال نکنند؟

از استدلالات رایج در میان رهبران و نظریه پردازان این گروه، این استدلال بیش از همه به گوش می‌رسد که آنان به دلیل نرنجاندن پهلوی‌خواهان و آتش، منظور از گذشته بسیار در مورد انتقاد به رژیم گذشته دارند. اما همین استدلال و همین علاقه به حفظ جبهه واحد پهلوی‌طلبان، خود اهمیت موضع‌گیری صریح و روشن در این زمینه را آشکارتر و ضرورت می‌سازد. کدام پیوند بین کسانی که مدافع دموکراسی و حقوق و آزادیهای اساسی مردم هستند با کسانی که کودتا و دیکتاتوری و وابستگی را توجیه و تشویق می‌کنند می‌تواند وجود داشته باشد؟ اگر اینان به حق مردم در انتخاب حکومت باور یافته‌اند، آیا نباید چنان کنند که دشمنان این حق، در هیچ لاسی و با هیچ بهانه‌ای نتوانند در میان صفوف آنان باقی بمانند و تهدیدی دائمی علیه دموکراسی باشند؟

در سالهای اخیر در مورد محتوای نظام سلطنتی بین این دو گروه از سلطنت‌طلبان تشدید شده است، اما سیر حوادث و از جمله موضع آنها در مورد کودتای ۲۸ مرداد نشان می‌دهد که هنوز پیوندهای زیادی بین آنان وجود دارد

وامهای خارجی، تخریب محیط زیست، رشد لالایی و واسطه‌گری، فراگیر شدن اختلاسها و رشوه‌خواری‌های مسئولان و مدیران کشوری، محروم بودن توده‌های مردم از مسکن، بهداشت و آموزش مناسب، انزوای بین‌المللی و... سالی که نکوست، از بهارش پیداست. سیاهه توسعه فرهنگی و اجتماعی در ده سال گذشته را هم به سختی بتوان در راستای توسعه ارزیابی نمود. صدمه زدن به خلاقیت‌های فرهنگی از طریق اعمال زور و سانسور، به زندان و شلاق محکوم کردن نویسندگان و هنرمندان، ممنوع کردن روزنامه‌ها و مجلات، آتش زدن کتابفروشی‌ها، کشتن تفکر در جامعه، عدم رعایت حقوق مدنی، رشد افسردگی، از بین رفتن اعتبار و شخصیت انسانی و ... در چند سال گذشته تحقیقات اقتصادی قابل توجهی در ایران صورت گرفته و پژوهندگان، استادان و کارشناسان مسایل اقتصادی مقالات و رسالات بیشماری را در روزنامه‌ها و مجلات چاپ کرده‌اند، میزگردها و

سمینارهای زیادی در رابطه با مسایل اقتصادی برگزار شده‌اند و حتی چندین نشریه تخصصی منتشر می‌شوند اما همه این کوششها و تلاشها بخاطر ویژگی‌های خاص جمهوری اسلامی تأثیر خاصی در روند تصمیم‌گیری‌های دولتی نداشته‌اند و بالاآجبار به ارشوها سپرده شدند. تجربه نشان می‌دهد که در نظام و تفکر مکتبی جایگاه پسندیده‌ای برای کار محققان و کارشناسان در نظر گرفته نمی‌شود. گذشته از آن امکان تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تنها با خلاقیت مداوم فکری در جامعه قابل دسترسی است و چنین خلاقیتی نیز تنها با تحقق آزادی امکان‌پذیر می‌باشد. استبداد شاهی که رسیدن به تمدن بزرگ را وعده می‌داد به انقلاب رسید، مستبدهای اسلامی هم در حالیکه آینده تیره و تاری در مقابل جامعه ما قرار دارد، فریبکارانه رسیدن به تمدن اسلامی را وعده می‌دهند. بازی و سرنوشته دیکتاتورها چه یکسان و تکرار یست.

## جناح‌های حکومتی برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری تلاش می‌کنند

با وجود فاصله‌ی زمانی یکساله‌ی که تا انتخابات ریاست جمهوری حکومت اسلامی باقی مانده است، جناح‌های مختلف حکومتی تلاش دارند از هم‌اکنون تبلیغات گسترده پیرامون کاندیدای مورد حمایتشان را سازمان دهند.

تاکنون علی‌اکبر ناطق‌نوری از جانب جمعیت مؤتلفه‌ی اسلامی، میرحسین موسوی از سوی گروه‌های موسوم به خط امام و ری شهری از طرف جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی کاندیدا شده‌اند. از این

افراد تنها ناطق‌نوری آمادگی خود را برای قبول نامزدی ریاست جمهوری اعلام کرده است و دو نفر دیگر نظر قطعی نداده‌اند، علاوه بر افراد نامبرده اعلام نامزدی کسانی چون علی‌اکبر ولایتی و علی لاریجانی از جناح راست سنتی در صورت اعلام انصراف ناطق‌نوری و حبیبی، روحانی، عبدالله نوری، محتشمی و کرباسچی از جناح‌های دیگر در صورت عدم موافقت میرحسین موسوی با کاندیداتوری خویش دور از انتظار نخواهد بود.

در این ارتباط هفته‌ی گذشته الویری کاندیدای انتخاب‌نشده‌ی گروه کارگزاران سازندگی برای نمایندگی مجلس پنجم در مصاحبه‌ی با روزنامه‌ی سلام در برابر این سؤال که با توجه به ابراز تمایل گروه‌های خط امام و کارگزاران به نامزدی میرحسین موسوی و گسیل نمایندگانی از هر دو گروه برای مذاکره با وی، آیا فکر نمی‌کنند که ائتلافی بین این دو جناح به وجود آید، گفت:

«من هم همین نظر را دارم، چراکه این دو جناح هیچ‌کدام به تنهایی در

انتخابات ریاست جمهوری پیروز نخواهند شد و البته در خصوص شخص مهندس موسوی این نکته وجود دارد که جمع زیادی از کارگزاران از ایشان حمایت می‌کنند و بالاترین شانس را در انتخابات دارند ولو این‌که منحصراً نامزد جناح چپ باشند.»

الویری با اظهار اینکه احتمال پذیرفتن نامزدی پست ریاست جمهوری از جانب موسوی ضعیف می‌باشد، از عبدالله نوری به عنوان مناسب‌ترین فرد با عنوان کاندیدای مشترک جناح چپ و کارگزاران نام برد.

## خبرهای کوتاه

### آلودگی به پرتو رادیواکتیو در نیروگاه برق

بنابر اطلاعاتی سازمان انرژی اتمی ایران معقود شدن یک چشمه‌ی رادیواکتیو آلودگی در نیروگاه سیکل ترکیبی گیلان «تنها» یک مصدوم داشته است. کارگر مصدوم در این حادثه به پرتوگیری درجه‌ی ۲ که از نظر پزشکی آلودگی بسیار شدیدی به حساب می‌آید، دچار شده است.

روزنامه‌ی همشهری قبلاً از در معرض تشعشع رادیواکتیو قرار گرفتن ۵۰ نفر و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین از آلوده شدن ۲۵ نفر خبر داده بودند. اما جدا از تعداد مصدومان، نفس وقوع این ماجرا به‌خودی خود بسیار تکان‌دهنده است و نقض شدید سیستم‌های ایمنی و آسیب‌پذیری شدید مراکز فنی کشور را در برابر حوادث پیش‌بینی نشده نشان می‌دهد.

### طرح «سالم‌سازی» دریا ۱۱۳ قربانی گرفت

به گزارش رئیس روابط عمومی ناحیه‌ی انتظامی مازندران از آغاز فصل گرما تاکنون ۱۱۳ نفر در سواحل دریای خزر و رودخانه‌های استان مازندران جان خود را از دست داده‌اند. او اظهار داشت که قربانیان بیشتر مسافران بودند که به دلیل شنا کردن در محل‌های غیرمجاز و خارج از محدوده‌ی طرح «سالم‌سازی» دریا غرق شدند.

وی به این موضوع که وجود چه تضمیناتی موجب می‌شود مسافرانی که برای گذراندن تعطیلات خود راهی شمال ایران می‌شوند به شنا در محل‌های غیرمجاز بپردازند، کوچکترین اشاره‌ی نکرد.

### تخم مرغ باز هم گران‌تر شد

قیمت هر دانه تخم‌مرغ از مرز ۲۱ تومان گذشت. نماینده‌ی وزارت جهاد افزایش قیمت خوراک طیور را سبب گرانی تخم‌مرغ دانست و گفت: تعدادی از تولیدکنندگان به علت افزایش قیمت خوراک طیور و به صرفه نبودن محصول، مرغ‌های تخم‌گذار را از چرخ تولید خارج کرده‌اند.

وی صادرات مرغ و تخم‌مرغ به خارج از کشور را تکذیب کرد و آنرا کالای ارز بیار ندانست.

### درگیری دستفروشان و مغازه‌داران نارمک

در پی اعتراض مغازه‌داران سه‌راه نارمک و خیابان مازندران به تجمع دست‌فروشان در این محله و درگیری میان آنان، روز سه‌شنبه‌ی گذشته حدود ۲۰ نفر از دست‌فروشان به مغازه‌های خیابان مازندران حمله کرده و شیشه‌های آنها را شکستند. به دنبال این واقعه، نیروهای انتظامی رژیم به درخواست مغازه‌داران در ماجرا دخالت کرده و به مقابله با دست‌فروشان برخاستند.

### دوچرخه‌سواری با راه رفتن فرقی ندارد

فائزه هاشمی رفسنجانی نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی اخیراً در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی اظهار داشت که در مورد فوائد ورزش دوچرخه‌سواری برای بانوان و نبودن اشکال شرعی برای این ورزش بر سر حرف خود ایستاده است. وی گفت که در خیابان‌های شهر، خانم‌های زیادی را می‌بیند که سوار بر دوچرخه در حرکت‌اند.

او در این مصاحبه گفت: دوچرخه‌سواری با راه رفتن چه فرقی دارد؟ ممکن است زنی رعایت شئون را هنگام راه رفتن هم نکند. آیا می‌شود به زنان گفت که راه نروند؟

### موفقیت تیم ایرانی در المپیاد انفورماتیک

تیم چهارنفره دانش‌آموزان ایرانی در هشتمین المپیاد جهانی انفورماتیک که در مجارستان برگزار شد موفق به کسب یک مدال طلا، دو مدال نقره و یک مدال برنز شدند. به این ترتیب تیم ایران در این دور از مسابقات که در آن ۲۱۵ دانش‌آموز از ۵۶ کشور حضور داشتند برحسب مجموع امتیازات هشتم و برحسب تعداد و رنگ مدال‌ها پنجم شد.

### «کتاب اول» تهران منتشر شد

نخستین کتاب اطلاعات شهری تهران با ۱۱۵۲ صفحه در دو جلد حاوی بیش از ۳۵ هزار واحد اطلاعات و ۴ هزار نوع فعالیت مراکز تولید و خدمات شهر تهران چاپ و توزیع آن آغاز شد.

در «کتاب اول» (صفحه‌ی زرد) علاوه بر اطلاعات واحدهای خدماتی و تولیدی مشترکان در تهران، اطلاعات مورد نیاز یک شهروند، شامل تلفن‌های ضروری یا رعایت آخرین تغییرات شماره‌ی تلفن و نشانی، نقشه‌های کامل تهران با قابلیت دسترسی مناسب به اطلاعات آن می‌باشد.

### برگزاری «جشن سبز» در تهران

اخیراً گروه آبی بزرگی با شرکت حدود ۵۰۰ نفر از نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ ساله‌ی دوستدار محیط زیست از ۲۵ استان کشور تحت عنوان جشن سبز و با شعار «میهن سبز، زمین سبز» در تهران برگزار شد.

در این گروه‌آبی که با همکاری سازمان ملل متحد برپا شد موضوع‌هایی از قبیل طبیعت اطراف ما، حیوانات پیرامون ما و حیات وحش، محیط زیست شهر و دیگر مسائلی که با محیط زیست ارتباط دارند مورد بحث قرار گرفتند.

### شراکت ایران و اوکراین در ساختن هواپیما

اکبر ترکان وزیر راه و ترابری جمهوری اسلامی اعلام کرد که یک قرارداد همکاری مشترک برای ساختن هواپیمای مسافربری میان جمهوری اسلامی ایران و اوکراین به ارزش ۱۹۲ میلیون دلار به امضاء رسیده است. ظرفیت این هواپیما که از نوع ملخ‌دار است ۶۲ نفر می‌باشد.

ترکان همچنین اظهار داشت که جمهوری اسلامی در حال حاضر مشغول مذاکره با روسیه برای خرید ۱۲ فروند هواپیمای توپولوف جدید از این کشور می‌باشد.

## اعتراض گسترده به پخش برنامه‌ی «هویت» تدارک آخرین بودجه‌ی دولت رفسنجانی آغاز شد

شماره‌ی اخیر خود نوشته است: «از عالی‌ترین رده‌ی نظارتی سیمای جمهوری اسلامی می‌خواهیم که از این دستگاه بخواهد در اسرع وقت از تک تک شخصیت‌هایی که حفظ حرمت و حقوق شهروندی آنها طبق قانون اساسی بر عهده‌ی دولت اسلامی است یعنی آقایان عبدالحمین زرین‌کوب، عزت‌الله سبحانی، داریوش شایگان، چنگیز پهلوان، داریوش آشوری، ایرج افشار، محمد علی اسلامی ندوشن، هوشنگ گلشیری، محمود دولت‌آبادی و سایر شخصیت‌های داخلی و نیز از نشریات قانونی داخلی ایران فرادا، کلک، دنیای سخن، نگاه نو، گره‌دون، آدینه و جامعه‌ی سالم رسماً عذر خواهی کند و در صدد جبران این خطای بزرگ خود برآید.»

در جلسه‌ی اخیر شورای اقتصاد که به ریاست رفسنجانی تشکیل گردید، پیش‌نویس کلیات بخشنامه‌ی بودجه‌ی سال ۷۶ توسط میرزاده رئیس سازمان برنامه و بودجه تقدیم شد. میرزاده در این جلسه ادعا کرده که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت از ۱/۶ درصد در سال ۷۳ به ۴/۵ درصد در سال ۷۴ و نسبت اعتبارات عمرانی به کل اعتبارات بودجه‌ی عمومی از ۳۱/۳ درصد در سال ۷۴ به ۴۱ درصد در سال ۷۵ رسیده است.

در بخشنامه‌ی پیش‌نویس لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۷۶ آمده است که این بودجه در ادامه‌ی سیاست‌های جدید اقتصادی دولت، در راستای برقراری عدالت اجتماعی و تأمین هدف‌ها و سیاست‌های فقرزدایی و جهت‌گیری به

سوی اقتصاد بدون اتکاء به صادرات نفت خام تهیه شده است و نکات محوری آن عبارت‌اند از: پرداخت یارانه برای کالاهای اساسی و دارو و جهت‌دهی یارانه‌های پنهان به سوی اقشار آسیب‌پذیر و تقویت نظام تأمین اجتماعی، رعایت عدالت اجتماعی در توزیع و اختصاص بودجه‌های جاری و عمرانی با در نظر گرفتن اولویت مناطق محروم. اما آنچه تاکنون عنوان شده ادعایی بیش نیست.

میزان وفاداری حکومتیان به ادعاهای فوق را تنها پس از تهیه‌ی متن نهایی بودجه‌ی سال ۷۶ و معین شدن کلیه‌ی اقلام ریز و درشت آن، می‌توان با روشنی بسیار بیشتری مورد آزمون قرار داد.

## مدیران نشریات اخبار و آذر مهر محکوم شدند مدیر مسئول مجله‌ی کیان در انتظار محاکمه

با تشدید فشار بر نشریات مستقل داخل کشور، مدیران مسئول روزنامه‌ی اخبار و ماهنامه‌ی فرهنگی آذر مهر در شعبه‌ی ۳۴ دادگاه عمومی تهران با حضور اعضای هیئت «منصفه» مطبوعات محاکمه شدند.

موارد شکایت از احمد صفایی‌فر مدیر مسئول روزنامه‌ی اخبار از سوی وزارت راه و ترابری و مدیر مسئول هفته‌نامه‌ی نیرو مطرح شده بود. شخصی به نام اسدی نیز به عنوان گواه این را که روزنامه‌ی اخبار در چند ماه گذشته موضوع کیبورد کاغذ را به عنوان یک معضل مطبوعاتی مطرح نموده

است، «جوسازی» قلمداد کرد. در پایان محاکمه‌ی رنجبر معاون رئیس کل دادگستری استان تهران اعلام کرد که براساس احکام صادره رحیم سعید دانش مدیر مسئول نشریه‌ی آذر مهر به اتهام «نشر اکاذیب و جوسازی در انتخابات» به یک میلیون ریال جزای نقدی و یکسال محرومیت از صاحب امتیازی و مدیر مسئولی هفته‌نامه‌ی محکوم شد. وی همچنین اظهار داشت که احمد صفایی‌فر مدیر مسئول روزنامه‌ی اخبار به جرم ۶ مورد اتهام از جمله «نشر اکاذیب» و «تشویش اذهان

## قطع انگشتان دست

تیمسار ابوالفتحی فرمانده ناحیه‌ی انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد که به حکم دادگاه عمومی تهران که بر مبنای قانون مجازات اسلامی صادر شده است، انگشتان دست ۶ نفر به جرم دزدی در محل ادارای آگاهی تهران بزرگ قطع شده است. به نوشته‌ی نشریات داخل کشور، در مراسم قرون وسطایی قطع انگشتان مسئولان قوه‌ی قضاییه رژیم و جمعی از فرماندهان ناحیه‌ی انتظامی تهران بزرگ حضور داشتند. ابوالفتحی در عین حال فاش ساخت که برای «عبثت» سایر سارقان تعدادی از آنها را در این مراسم شرکت داده‌اند تا دست از اعمال خلاف خود بردارند.

## احتمال طرح استیضاح وزیر کشور بیشتر شد

ناپخته‌ی وزیر کشور دانسته و اعلام کرده است که اگر طرح استیضاح از سوی حداقل ده نماینده امضا شود، پس از طرح سؤال از وزیر کشور در جلسه‌ی علنی مجلس و اعلام وصول آن از طرف هیئت رئیسه‌ی مجلس شورای اسلامی، احتمالاً این طرح در اواخر شهریورماه در جلسه‌ی علنی مجلس مطرح خواهد شد.

## تمام بیماری‌های قلبی در کشور قابل درمان است

جمهوری آذربایجان و ترکیه برای معالجه به ایران مراجعه می‌کنند. اما او در مورد اینکه امکانات محدود بیمارستان‌های کشور چگونه می‌تواند پاسخگوی نیازهای درمانی انبوه بیماران قلبی کشور که بسیاری از آنان با وجود احتیاج به درمان سریع و به‌موقع باید ماه‌ها در انتظار معالجات خود باشند سخنی نگفت.

با تغییر استانداران استان مرکزی و چهارمحال و بختیاری، توسط علی‌محمد بشارتی وزیر کشور رژیم، احتمال طرح استیضاح او که پس از تغییر استاندار خراسان مطرح شده بود بالاتر رفت. محمد باقر ذاکری نماینده‌ی مردم قوچان، تغییر استانداران دو استان مرکزی و چهارمحال و بختیاری را دو تصمیم

دکتر ماندگار رئیس بخش جراحی قلب بیمارستان دکتر شریعتی چندی پیش اعلام کرد که پزشکان ایرانی تا به حال توانسته‌اند به پیشرفت‌های بزرگی در زمینه‌ی معالجات بیماران قلبی نائل آیند و امروزه حتا به بیمار قلبی نیز توصیه نمی‌شود که برای معالجه به خارج از کشور عزیمت کند. به گفته‌ی وی هم‌اکنون بیمارانی از

## مهلت تحویل اسلحه‌های غیرمجاز تمدید شد

بهمین ۵۷ یعنی فردای روز پیروزی انقلاب دستور جمع‌آوری کلیه‌ی سلاح‌ها را صادر کرده بود، تاکنون چنان مقدار عظیمی سلاح در نزد مردم باقی مانده است که تنها در ظرف چند ماه ۳۳ هزار عدد از آنها «داوطلبانه» تحویل دولت داده شده است.

شکاری به آنها تحویل داده شده است. آنان تحویل این مقدار انبوه اسلحه را نشان‌دهنده‌ی اعتماد و احساس امنیت از سوی مردم ذکر کرده‌اند اما درباره‌ی این نکته‌ی مهم سکوت کرده‌اند که به چه علت مردم با گذشت ۱۷ سال از انقلاب و در حالی که خمینی در ۲۳

با گذشت ۶ ماه از اعلام «عفو عمومی» دارندگان اسلحه و مهمات غیرمجاز، مهلت تعیین شده برای تحویل آنها به مقامات دولتی برای دو ماه دیگر تمدید شد. به گفته‌ی مقامات انتظامی رژیم تاکنون ۳۳ هزار قبضه سلاح جنگی و



# اهل تمیز و حرف‌های ناتمیز

## ۴۰ سال پس از خاموشی برشت همچنان از مطرح‌ترین‌هاست

بخشی از شعر

«به زایدگان پس از ما»

بر توت برشت

ترجمه‌ی: شرف‌الدین خراسانی

به شهرها من در زمان بی‌نظمی آمدم  
حکلی که در آنجا گرسنگی فرمانروا بود.  
در زمان آشوب در میان انسان‌ها آمدم  
و من نیز با ایشان هم‌عین کردم  
این‌سان به سرآمد زمانی  
که روی زمین به من داده شده بود.

خوراکم را در میان نبرد خوردم  
در میان آدمکشان سر به پست خوردم  
با بی‌تفاوتی عشق ورزیدم  
و طبیعت را بی‌شکایتی گریستم.  
این‌سان به سرآمد زمانی  
که روی زمین به من داده شده بود.

خیابان‌ها در زمان من به دردناک می‌رسیدند  
زبان مرا نود دژم ره‌روا کرد.  
تلوا ازگی از من ساخته بود. اما فرمانروایان  
بر من ایمان نمی‌نهادند. این امید من بود.  
این‌سان به سرآمد زمانی  
که روی زمین به من داده شده بود.

نبردها ازک و ناپدید بودند. حرف  
در دوری دور جای داشت.  
آشکارا دردی بود. هر چند برای من  
دشوار دست‌یافتنی بود.  
این‌سان به سرآمد زمانی  
که روی زمین به من داده شده بود.

شاه‌هایی که از میان سیلی توفانی سر برآورد  
که ما در آن فرو رفته‌ایم  
به یاد آورید

حکلی که از خفت‌های ما سخن می‌گوید  
همچون دورانی تاریک را  
که شما از آن دور شده‌اید.

زیرا ما می‌رفتیم. در حالی که بیشتر از کفش‌ها گرسنگی  
را موهن می‌کردیم  
به درون جنگ‌های طبقات. نومید شده  
حکلی که فقط بیدارگری بود و هم‌بانی نبود.

با وجود این خوب می‌دانیم!  
همچنان نفرت در برابر پستی  
چهره را برپوش می‌کنم.  
همچنان خشم در برابر بیدارگری  
آواز را در لحن من می‌سازد. آوای ما  
مایی که می‌خواستیم زمین را برای مهربانی آماده کنیم  
خورمان نتوانستیم مهربان باشیم.

اما شاه‌هایی که زمانه برداشتی خواهر رسید  
که انسان برای انسان یک یاری‌کننده است  
که ما در آن فرو رفته‌ایم  
با بخشا بشکری.

که در کشور ما این رقم بنا به  
گزارش‌های دولتی ۴۲ و براساس  
گزارش‌های مستقل ۲۰ نسخه می‌باشد  
به عبارت دیگر در ایران برپایه  
آمارهای مستقل در ازای ۶۰ میلیون  
جمعیت تنها ۱/۲ میلیون روزنامه به  
فروش می‌رسد.

معتبرترین مراکز تئاتری آلمان و جهان به شمار می‌رود که چهره‌ی تئاتری نام‌آوری هم‌چون هاینه مولر در سال‌های اخیر و تا پیش از مرگ‌اش در سال جاری مسئولیت آن را به عهده داشت. برشت در ایران جزئی شناخته‌شده‌ترین نویسندگان جهان به شمار می‌رود و بسیاری نمایشنامه‌های او نیز بعضاً چندین و چند بار به روی صحنه رفته‌اند. آثار برشت در خود آلمان به‌رغم تصور بسیاری از افراد در اردوی راست که عمر و اعتبار آنها را به خاطر بار سیاسی و اجتماعی‌شان و نیز به سبب اقامت خود نویسنده در آلمان شرقی در سال‌های پس از جنگ، با فروپاشی دیوار برلین پایان یافته تلقی می‌کردند، همچنان پرخواننده و پر بیننده‌اند. براساس آمار انجمن تئاتر آلمان، در سال گذشته مجموعاً ۲۰ اثر از آثار برشت و هر کدام با اجراهای متعدد و متفاوت در تئاترهای آلمان به روی صحنه رفته‌اند که «اپرای سه پولی»، «صعود وقفه‌ناپذیر آرتور اوبی» (در باب قدرت‌گیری هیتلر) و «انسان خوب سچوان» در رأس آنها قرار داشته‌اند. شعرها و رمان‌های برشت نیز کماکان چه در آلمان و چه در سطح جهانی در زمره‌ی پرخواننده‌ترین آثار ادبی به‌شمار می‌روند.

و نفرت از سخنان آن رنگریز (کنایه از هیتلر)،  
لیک تنها دومی،  
مرا به سوی میز کار می‌راند.»  
در پشت همین میز کار بود که نمایش‌نامه‌های «کله‌گردها و کله‌تیزها»، «ترس و نکت رایش سوم»، «تفنگ‌های ننه کارا» و «گالیله» که محتوایی سیاسی، ضد فاشیستی، جزم‌ستیزانه و صلح‌دوستانه داشتند خلق شدند. رمان‌های «سه پولی»، «معاملات آقای ژولیوس سزار» و ... نیز محصول همین دوره‌اند.  
برشت در آثارش که بیشتر در حوزه‌ی تئاتر روایتی جامی‌گیرند بیش از هر چیز در پی تشریح روشن، ارائه‌ی زبانی همه‌فهم و متمرکز کردن هر وسیله‌ی تئاتری برای طرح طنزگونه و طریف درونمایه‌ی نمایش است. این ویژگی‌ها به علاوه‌ی استفاده از رنگ‌های خاکستری، لباس‌های واقعی تیره، نورپردازی درخشان، گفتارها و دیالوگ‌های روان و آهسته و مخاطب ساختن مستقیم تماشاگر با سرودهایی که جابه‌جا به وسیله‌ی بازیگران خوانده می‌شوند، سبکی از تئاتر را پدید آورده‌اند که آن را تئاتر برشتی می‌نامند. Berliner Ensemble یا گروه برلینی که به وسیله‌ی برشت پایه‌گذاری شد و در اشاعه و گسترش سبک وی سهم برجسته‌ی ایفا کرد، هنوز هم از

۱۴ اوت (۲۴ مرداد) ۴۰ سال از خاموشی برتولت برشت (۱۸۹۸-۱۹۵۶) شاعر، نمایشنامه‌نویس و کارگردان آلمانی تئاتر درگذشت. برشت از رهگذر نمایش‌ها، شعرها و رمان‌هایی که به ویژه در دوران جنگ جهانی دوم و در اقصای چهره‌ی فاشیسم نوشت به یکی از برجسته‌ترین نویسندگان و شاعران عصر ما بدل شده است.  
حاکم شدن فاشیسم بر آلمان برای برتولت برشت و روشنفکرانی که با رژیم هیتلری از در سازش دریامدند راهی جز مهاجرت باقی نگذاشت. فراریان بی‌شماری در نتیجه‌ی رنج‌های کم‌رشدن روحی از پا درآمدند، اما بسیاری نیز آبدیده و پخته‌تر شدند. برشت جزء دسته‌ی دوم بود. او ایمان به پیروزی را از دست نداد اما تلخی و ناامیدی نیز بارها به دلش راه یافت که اینچا و آنچا در شعرش نمود یافته است. برشت با طنز گذشته و ستیز برانگیزاننده‌ی خود به ستیز لحظات درددری رفت و فراخوان به ایستادگی و ستایش از زندگی در آثارش اجازه نداد که جنایات و گرتگاری رژیم هیتلری بر ذهن خوانندگان و مخاطبانش سایه افکند.  
«در من در ستیز است،  
حس تحسین در برابر شکوفایی درخت سبب،

مضموناً سیاسی به محکومیت مجازات وی پرداخته‌اند، نیز در رده‌ی «آلودگان» و یا حداکثر «نیمه‌تمیزها» قرار می‌گیرند.  
«اهل تمیز» و مراد از آن کسانی بودند که در زبان امروز نکته‌سنج و اهل تفکیک و نقد و نظر خوانده می‌شوند. ای کاش آقای معروفی «تمیز» را تنها در این معنا به کار می‌گرفت و دست‌کم دیگران را به ضعف در نکته‌سنجی جدا نهادن امور از یکدیگر متهم نمی‌نمود، نه آنکه این صنعت را به اهداف و کردار یک گروه اجتماعی نسبت دهد و دیگرانی را که در ساحت‌های دیگر فعالیت می‌کنند، به ناپاکی و آلودگی در اهداف و شیوه‌ها متهم کند.  
این حق آقای معروفی است که خود و هم‌تایانش را به‌رغم درگیری پیوسته با سیاست (که به‌ویژه در جامعه‌ی استبدادزده امری اجتناب‌ناپذیر است) از آن دور بدارند یا میان حوزه‌های مختلف کوشمان انسانی دیوار چین برکشند، اما تقسیم کردن گروه‌های اجتماعی و افراد مختلف به تمیز و ناپاک تنها خدشه‌دار کردن واقعیت و حاصل خواراندیشی درباری «غیر خودی»-هاست که از «اهل نظر» سبید می‌نماید. چنین شیوه‌ی با آزاداندیشی و روح و منش آزادخواهی که آقای معروفی هم به خاطر آن ناچار به مهاجرت شده سازگاری ندارد.

آقای عباس معروفی که چندین پیش حکم مجازات ظالمانه‌اش مجدداً مورد تأیید دستگاه قضایی جمهوری اسلامی قرار گرفت، اخیراً در مصاحبه‌ی گفته است: «همه‌ی احزاب و گروه‌ها در ایران پاکسازی شدند. هیچ حزبی، هیچ اپوزیسیونی در ایران وجود خارجی ندارد... در ادامه‌ی این برنامه حذف و پاکسازی، حالا نوبت انسان‌های «تمیز» جامعه‌ی ما رسیده است. حذف نویسنده، شاعر، سینماگر، یعنی آدم‌هایی که من آنها را «تمیز» عنوان می‌کنم آغاز شده است. اینها، هیچ‌یکدام داعیه‌ی مقام و قدرت ندارند، معجزاً مورد تهدید و حمله قرار می‌گیرند.» (کیهان لندن/اول اوت) واقعیت این است که آمدن عنوان «تمیز» در سخن آقای معروفی سخت عجیب و ناروا می‌نماید، چرا که از جملات نقل شده متطابق می‌توان نتیجه گرفت که پاکسازی شده‌های قبلی نه درد آزادی و ترقی اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی ایران، بلکه همگی سودای قدرت و مقام داشته‌اند. و نیز می‌توان نتیجه گرفت که هر کس که گرد سیاست گشت، هدف و کارکردی آلوده و ناپاک دارد. از شمول این نتیجه‌گیری‌های مترتب بر سخن آقای معروفی کمتر کسی می‌تواند در امان بماند، زیرا خود وی که در بخش چشمگیری از مصاحبه‌ی مزبور به مسائل سیاسی پرداخته و یا آقای کاپیتورن و هم‌ی افراد و گروه‌هایی که باتلاشی

### روزنامه‌خوان‌ترین مردم دنیا

### انگلیسی زبان رسمی آمریکا می‌شود!

شیوه‌ی نگارش زبان آلمانی بهبود می‌یابد

از گزارش اصسال «انجمن جهانی روزنامه‌ها» (FIEL) چنین برمی‌آید که ژاپنی‌ها و اهالی کشورهای اسکانندیناوی فعال‌ترین و پیگیرترین روزنامه‌خوان‌های جهان هستند. برای مثال در سال میلادی گذشته به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، در نروژ ۶۰۰، در ژاپن ۵۷۶ و در سوئد و فنلاند ۴۶۴ نسخه روزنامه به فروش رفته است. در این گزارش مردم آلمان که کتاب‌خوان‌ترین اهالی دنیا هستند به لحاظ علاقه به روزنامه‌خوانی در مرتبه‌ی دهم قرار گرفته‌اند. بنا به گزارش یاد شده در مجموع میزان علاقه و کثرت به روزنامه‌خوانی در سطح جهان به سود تماشای رسانه‌های الکترونیکی در حال کاهش است. آرزاتین، برزیل و هند تنها استثناهای این روند می‌باشند. گفنتی است که براساس استانداردهای سازمان ملل به ازای هر هزار نفر جمعیت باید ۱۰۰ نسخه روزنامه به فروش رود، در حالی

قدرتمندی را در آمریکا تشکیل می‌دهند و هیدو محافظ راست و ناسیونالیست آمریکا از تصویب قانون فوق قسماً کاستن از قدرت‌گیری بیشتر این اقلیت‌هاست.  
در همین حال وزارت فرهنگ کشورهای آلمانی زبان اتریش، سوئیس و آلمان اخیراً توافق‌نامه‌ی را امضاء کردند که به موجب آن شیوه‌ی نگارش تعدادی از واژه‌های آلمانی اصلاح می‌شود. هدف عمده‌ی این توافق یک‌سان سازی نگارش واژه‌های هم‌ریشه و نیز انصراف از نوشتن تعدادی از واژه‌های خارجی است که تلفظ می‌شوند. این توافق در هر یک از کشورهای فوق جنبه‌ی قانونی می‌یابد و از سال ۱۹۹۸ به اجرا در خواهد آمد. اما در یک دوره‌ی زمانی مشخص رسم‌الخط قدیم نیز کماکان معتبر خواهد بود و پس از این دوره تنها رسم‌الخط جدید مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

مجلس نمایندگان آمریکا در اوایل ماه جاری میلادی قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن زبان انگلیسی تنها زبان رسمی کشور خواهد بود. به موجب این قانون برگه‌های انتخاباتی از این پس همه به زبان انگلیسی خواهند بود و افراد خارجی تنها هنگامی می‌توانند به تابعیت آمریکا درآیند که بر این زبان مسلط باشند.  
نیوت گینگریچ رهبر فراکسیون جمهوری‌خواهان در کنگره ضمن دفاع از قانون مزبور گفت: «من برای همه‌ی کسانی که به صورت قانونی به آمریکا می‌آیند احترام قائلم، لیکن می‌خواهم که آنها آمریکایی بشوند و یکی از شاخص‌های آمریکایی بودن هم زبان انگلیسی است. این یک ضرورت تاریخی است که زبان انگلیسی به عنوان زبان مشترک در قلب تمدن (آمریکایی) ما جای گیرد و تثبیت شود.»  
قانون جدید مصوب کنگره، موجی از اعتراض و انتقاد را در محافل مختلف آمریکا برانگیخته است. به گفته‌ی منتقدین، این قانون به اهرمی برای اعمال تبعیض بیشتر علیه اقلیت‌های زبانی ساکن آمریکا تبدیل خواهد شد و راست‌گرایان تصویب آن را به عنوان برگ برنده‌ی در انتخابات ریاست جمهوری به کار خواهند گرفت. هم اینک اسپانیایی‌زبان‌های آمریکا و آن دسته از شهروندان این کشور که اصل و نسبشان به آسیای جنوب شرقی باز می‌گردد، اقلیت‌های پرشمار را دوباره به دوران پیش از عصر چندزبانی برخواهد گرداند، به چنانی که فرودگاه‌ها به دیدارگاه بزرگ انسان در حال‌گیری از فرصت‌های تماس و از خویش‌شن خویش بدل خواهند شد. اما پرسش درباری ارزش‌ها و مفهوما و درباری اهمیت تنوع زبان و فرهنگ و ارزش اطلاعات می‌تواند با دگرگون کردن چشم‌اندازهای جامعه‌ی اطلاعاتی آن را به جامعه‌ی دانایی بدل کند، جامعه‌ی که در آن انسان از وجوه مختلف هستی خود آگاه است که وژش

### مصر و اسرائیل تحریم فرهنگی، آخرین اهرم فشار

دو کشور به گوش می‌رسد، با این همه برای بسیاری از مصری‌ها تحریم فرهنگی آخرین اهرمی است که مصر می‌تواند به وسیله‌ی آن به اسرائیل فشار وارد آورد. به گفته‌ی جمال قیسانی رمان‌نویس معروف مصر فرهنگ برخلاف سیاست و اقتصاد امر وجدانی جامعه است و مادام که ارتش اسرائیل اراضی اعراب را در اشغال خود دارد و سلاح‌های اتمی‌اش کشورهای عربی را نشانه رفته‌اند، تبادل فرهنگی با این کشور معنایی ندارد.  
با انتخاب بنیامین نتان‌یا هو که از سیاست‌های صلح‌همتای قبلی‌اش انصراف بسته و خواهان صلحی مبتی بر تداوم اشغالگری اسرائیل است، مدافعان تحریم فرهنگی در مصر پیش‌از پیش تقویت شده‌اند. اخیراً هنگامی که کاردار سفارت اسرائیل در مصر قصد دیدن یک نمایشنامه‌ی سیاسی پر بیننده در قاهره را داشت، سن تئاتر به صحنه‌ی اعتراض تبدیل شد و بازیگران از دیپلمات مزبور خواستند که سالن تئاتر را ترک کند و خود نیز به جای اجرای نمایش به خواندن سرودهای ملی و رزم‌جویانه دوران جنگ سال ۶۷ پرداختند.

یک زن اسرائیلی برای سفری توریستی به بندر تاپای مصر می‌رود و در آنجا عاشق یک مرد مصری می‌شود، اما این عشق ناکام می‌ماند و تلاش هر دو طرف برای ازدواج به نتیجه نمی‌رسد. ماجرای این عشق موضوع فیلم‌نامه‌ی بود که اخیراً واقع‌سببان، کارگردان مصری برای کسب مجوز ساخت فیلم به وزارت فرهنگ مصر ارائه کرد. پاسخ منفی وزارت مزبور به این تقاضا نشان داد که ۱۷ سال پس از برقراری صلح میان مصر و اسرائیل هنوز هم در برخی از عرصه‌ها و به ویژه در عرصه‌ی فرهنگی اثری از عادی شدن مناسبات به چشم نمی‌خورد و برای مثال هنوز هم در جشنواره‌های فیلم و تئاتر مصر هیچ اثری از هنرمندان اسرائیلی به نمایش در نمی‌آید. تعداد معهودی از هنرمندان مصری که با آثار خویش در جشنواره‌های اسرائیل حضور یافته‌اند در میان همکاران خویش همچون جذامیان نگرسته می‌شوند.  
گسترش روابط سیاسی و اقتصادی میان مصر و اسرائیل اینک به امری عادی بدل شده است. سیاست‌مداران دو کشور ملاقات‌های منظمی با هم دارند و هر روز خبری از عقد قرارداد میان کار و سرمایه‌داران

### در راه بازگشت به دوران پیش از برج بابل؟

زندگی پدید می‌آید - و ماجرای‌اش خود داستانی رمانتیک است - انسان را دوباره به دوران پیش از عصر چندزبانی برخواهد گرداند، به چنانی که فرودگاه‌ها به دیدارگاه بزرگ انسان در حال‌گیری از فرصت‌های تماس و از خویش‌شن خویش بدل خواهند شد. اما پرسش درباری ارزش‌ها و مفهوما و درباری اهمیت تنوع زبان و فرهنگ و ارزش اطلاعات می‌تواند با دگرگون کردن چشم‌اندازهای جامعه‌ی اطلاعاتی آن را به جامعه‌ی دانایی بدل کند، جامعه‌ی که در آن انسان از وجوه مختلف هستی خود آگاه است که وژش

جهان کامپیوتری فردا، جهانی زیر سلطه‌ی کامل عقل و خرد خواهد بود. در این جهان تنوع و گونه‌گونی از زمین رخت برخواهد بست و هم‌سانی و یک‌نواختی کامل جای‌گزین آن خواهد شد. و این به معنای فنا شدن و از دست رفتن فرهنگ است، چرا که معنای فرهنگ جز تنوع و تمایز نیست. آرنولد بروست به درستی می‌گوید که سرآغاز فرهنگ هم زمان با برپا شدن برج بابل است، برجی که به روایت افسانه‌ها خداوند انسان‌ها را به سبب ساختن آن مجازات کرد و هم زبانی را از میان‌شان برداشت. برج جدید که از غلبه‌ی تکنولوژی دیجیتال بر



«درنگ دوربین»

ولفگانگ فرووالد  
پروفیسور آلمانی‌شناسی  
و رئیس جامعه‌ی پژوهشی  
آلمان  
دی‌تسایت ۲۸ ژوئن

## حجاب اجباری، علیه دمکراسی و نفی پلورالیسم است

برگردان: شهلا فرید

نویسنده: فاطمه مرنیسی

که غرب مایل است با آن‌ها روابط تجاری داشته باشد، و آن‌ها اسلام را به عنوان اساس حکومت انتخاب کرده‌اند احتیاج دارند ما زنان را بشناسند؟ چرا برخی از سیاستمداران عربی حمله قلبی می‌گیرند اگر روبنده یک زن بیفتد. زیرا چنان زنی او را در مسند قدرتش به لرزه در می‌آورد.

یک مستبد باید نشان بدهد که او همیشه یک مستبد است و این به معنای آن است که او از خشونت استفاده می‌کند یک مستبد به گلائیاتور احتیاج دارد. تاریخ‌دان فرانسوی پاوول ون می‌گوید قدرت استبدادی روم در بهترین حالت در رویارویی گلائیاتورها بیان می‌شود. آن‌ها می‌گذاشتند برده‌ها که از هیچ حقوق سیاسی برخوردار نبودند، بر سر زندگی‌شان بچنگند، این قتل به منظور لذت تماشاچیان برای اثبات قدرت حاکمان بود. این مسئله با حجاب اجباری تفاوت چندانی ندارد، این هم یک عمل خالص قدرت مردانه است و در حقیقت ترور بدون تعقیب قانونی.

حجاب کمتر با جنسیت سر و کار دارد. بیشتر به سکوت زنان مربوط می‌شود. حجاب به مردان قدرت انحصاری می‌دهد که در روابط اجتماعی فعال باشند و زنان را مجبور می‌کند که بی‌تحرک باشند. حجاب زنان را حفظ نمی‌کند، بلکه نقش اجتماعی‌شان را سلب می‌کند.

حجاب اجباری ترور مستبد را نهادی می‌کند، زیرا آن‌ها نمی‌توانند از نقش اجتماعی دور می‌کنند و آن‌ها را در زندان خانه محبوس می‌کنند، در ایران و عربستان سعودی گاردهای ویژه در خیابان‌ها به دنبال زنان بدون حجاب هستند، چه نقض حقوق پسر آشکاری!

اگر زنی فقط چند تار مویش را به نمایش بگذارد او شخص خطرناک برای سیستم است. او نظم استبدادی را که همه چیز بر آن بنا شده است نفی می‌کند.

بدین دلیل است که یک چیز کوچک مثل روسری اهمیت عظیم پیدا می‌کند. به این دلیل تروریست‌های الجزایری این حق را برای خود می‌شمارند که به زنان بدون حجاب در خیابان حمله کنند حتی آن‌ها را بکشند. تنها تفاوتشان با حکام عربی این است که آن‌ها اکنون در اپوزیسیون هستند. اما ایدئال سیاسی آن‌ها همان استبداد است.

اینجا تاکید می‌کنم که اکنون در بیشتر کشورهای مسلمان نظام عرفی وجود دارد. آن‌ها بر اساس یک قانون اساسی عرفی حکومت می‌کنند ولی فرامین مذهبی و سنتی پشت این نظام عرفی قرار دارد و عمل می‌کند، به‌طور مثال در مراکش، تونس، اردن و مالزی و بسیاری کشورهای مسلمان دیگر.

در مراکش من می‌توانم هر دو نوع پوشش را داشته باشم، در تابستان زنان مراکشی در آتلانتیک با مایو شنا می‌کنند ولی در جشن خانوادگی و یا مذهبی ما رو بند می‌زنیم. من به دوستان و همکارانی که چادر بر سر می‌کنند و بدین ترتیب یک موضع مشخص دینی را بیان می‌کنند احترام می‌گذارم. همانند کسانی که موهایشان را سبز می‌کنند و بدین ترتیب یک اعتراض اجتماعی را بیان می‌کنند. اما مسئله این است که یک قدرت سیاسی زنان را مجبور به حجاب می‌کند مانند ایران، عربستان و یا تروریست‌ها در الجزایر. در این جا نقض حقوق بشر آشکار آغاز می‌شود.

نظام عرفی در کشورهای مسلمان نیز بسیار توسعه یافته است. از این رو تعرض به حقوق بشر به شکلی خشن با بقیه در صفحه ۸

که گروگان گرفته است.

- بالاخره باید جایی پنهانده شدن پیدا کنید تا مراحل طلاق که خیلی کند و طولانی است، طی بشود.

- جایی پیدا کردید اما چند ماه طول می‌کشد تا...

- منظور آن چه نوع جایی است؟

- به دل‌های پنهان‌دگی پول داده‌ام تا ترتیب پنهانده شدن من را به یک کشور خارجی بدهند.

- شما که متمکن هستید، چرا خانه مستقل تهیه نمی‌کنید؟ چرا جلای وطن می‌کنید؟

- من امنیت می‌خواهم. اگر در همان خانه مستقل که مورد نظر شماست، بیاید و من را بکشد، تازه باید خانواده‌ام نصف دیه را به او بدهند، بعد قصاص قاتل را بخواهند.

- شما که مصمم خودتان را گرفته‌اید، با من چه امری دارید؟ فقط یک سؤال دارم. اگر شوهر من را ممنوع‌الخروج کرده باشد، می‌توانید با وجود این پرونده جزایی، یعنی سوختگی بدن با سیگار، از من رفع ممنوعیت خروج کنید؟

- به هیچ وجه.

- چرا؟

- برای آن که تا در علقه زوجیت او هستید، فقط او می‌تواند از شما رفع ممنوعیت کند.

- یعنی یک مرد وحشی قادر است حق طبیعی خروج از کشور را از یک زن که می‌خواهد زنده بماند، سلب کند؟

- بله.

- پس بیشتر پول می‌دهم و بطور غیر قانونی خارج می‌شوم. بچه‌هایم را هم می‌دزدم و با خودم می‌برم (!)

دفا تر وکلای دادگستری و دادگاههای ایران زیر هجوم رفت و آمدهای زنانی که امنیت می‌خواهند و خواستار تغییر موقعیت حقوقی خود هستند، دیدنی است.

زنان هر گاه در خانه خود، در وطن خود، امنیت نداشته باشند، به خانه غیر پناه می‌برند که می‌دانیم تبعات آن بسی زیانبار است.

فاطمه مرنیسی نویسنده و جامعه‌شناس و فمینیست مشهور مراکشی است. حقوق زنان نقطه‌ی مرکزی نوشته‌های بی‌شمار اوست. او اکنون در دانشگاه رباط تدریس می‌کند. نوشته‌ی حاضر برگرفته از ضمیمه‌ی هفتگی روزنامه‌ی «زود بوج سائونگ» ۱۰ ماهه است که به مناسبت انتشار آخرین کتاب او به زبان آلمانی مقاله‌ی او را به چاپ رسانده است.

شهرودان آلمانی! وقتی شما این‌گونه اتومبیل می‌رانید و هواپیما سوار می‌شوید، از وسایل خنک‌کننده و گرم‌کننده و غیره استفاده می‌کنید، باید که از حجاب اجباری برای زنان عرب حمایت کنید. یعنی چه؟ نمی‌دانید این‌ها به هم چه ربطی دارند؟ من برایتان توضیح می‌دهم.

شما شهروندان عزیز آلمانی به نفت عربی مانند قبل وابسته هستید، یک سوم واردات نفت شما از کشورهای عربی تامین می‌شود. شما بر طبق گزارش بانک جهانی بیشتر از ۱۰ لیتر در روز برای هر فرد نفت مصرف می‌کنید. به‌طور متوسط یک عربی ۲۸ برابر بیشتر از یک مراکشی، ۱۳ برابر بیشتر از یک مصری و ۳۱ برابر بیشتر از یک فرد در یمن انرژی مصرف می‌کند. عیش شما به نفت با حمایتان از اسرائیل مستبد عرب فرو می‌نشیند، بدین ترتیب که معامله‌ی انرژی با حکومت‌های دیکتاتور آسان‌تر است، حاکمانی که ۵۰ درصد جمعیت یعنی زنان را سرکوب می‌کنند، و حقوق سیاسی‌شان را زیر پا می‌گذارند، قیمت‌های خوشایندتان را به شما عرضه می‌کنند. اما اگر کسی از دمکراسی در کشورهای عربی حمایت کند باید بپذیرد که قیمت بالاتری را برای انرژی و بنزین بپردازد. چرا که دمکراسی ناآرامی می‌آورد. چرا که دمکراسی تعداد افرادی را که در معامله انرژی حق نظر دارند، افزایش می‌دهد.

فقط یک‌بار این طرف معامله را تصور کنید، ۲۳۰ میلیون انسان خود آگاه، آزاداندیش عرب که توسط ۲۲ پارلمان، ده‌ها سندیکای مستقل، صدها سازمان غیر دولتی مدافع حقوق زن‌ها و حفظ محیط‌زیست نماینده‌گی شوند و تمام این نیروها بطور آزاد در این مورد بحث کنند که چه چیز برای جهان عرب بهتر است و چه گونه مشکلاتی از قبیل بیکاری جوانان، رشد جمعیت، خرابی و ویرانی قابل حل هستند. آیا این دلیلی نیست که چرا در آلمان اعتراض گسترده‌ای علیه حجاب اجباری زنان برانگیخته نمی‌شود؟

با وجود این که شما آلمانی‌ها با حمایت بسیار در مورد نقض حقوق بشر عکس‌العمل نشان می‌دهید، شما به‌درستی می‌دانید که در کشورهای عربی حقوق زنان، حقوق بشر لگندوب می‌شود. واکنش شما انسان‌های دمکرات باید این باشد که علیه آن اعتراض کنید، چرا نمی‌کنید؟ چرا تلاش نمی‌کنید دولتان را به رفتار دیگری در مقابل رژیم‌های وحشی برانگیزید، جواب این است: جامعه‌ی دمکراتیک اعراب برای غربی‌ها بسیار غیرقابل محاسبه‌تر نسبت به مستبدین فعلی هستند و یک منطقی‌ی عربی دمکراتیک تهدیدکننده‌تر از حمله‌ی کابونی صدام حسین به کویت است.

اگر در دنیای عرب مردم به حقوق‌شان برسند و به چیز اتفاق می‌افتد، اول این‌که مصرف انرژی در آنجا بالا می‌رود، دوم عرب‌های دمکرات بطور حتم به همان میزان قبل خریدار اسلحه‌های غربی نخواهند بود. اما اکنون چرا این مستبدین،

مرگ است یا ترس دایمی از مرگ که در تمام لحظه‌ها زن را آسوده نمی‌گذارد. زنان گواهی را با مهر تأیید پزشکی قانونی می‌گیرند و می‌شاید تا گواهی را تحویل مقام قضایی بدهند. سرانجام بر سرمنزل مقصود می‌رسند، یعنی گمان می‌کنند رسیده‌اند. افراد نیروی انتظامی در معیت شاکی متهم را حاضر می‌کنند. شوهر گاهی با گستاخی ضرب و شتم را ناشی از عمل زن، که معمولاً در فرمولهای کلیشه‌ای به زبان درازی، عدم تمکین و خروج از خانه بدون اجازه شوهر تعبیر می‌شود، توجیه می‌کند. در بدترین حالت، شوهر به مجازات مقرر در قوانین که همانا پرداخت مبلغ معینی پول به جای شتر و دینار (دیه) است، محکوم می‌شود.

دیه نقص عضو زن وقتی از حد مشخصی که قانون تعیین کرده است تجاوز کند، نصف دیه‌ای است که در موارد مشابه برای مردان مضروب محاسبه می‌شود. بنابراین قوانین جزایی کشور در فصل دیانت نه تنها خشونت مردان نسبت به زنان را تعدیل و کنترل نمی‌کند بلکه از موجدات تشدید خشونت بوده و ترغیب کننده مردان به اعمال خشونت علیه زنان است.

این، تازه به ضرب و شتم زنان بر می‌گردد. دیه جان که دیگر جای خود دارد. در این زمینه پد نیست اظهارات پدری دردمند و سوخته‌دل را که اخیراً در یکی از روزنامه‌ها آمده بود بخوانیم:

«در ژاپن یک دختر هتک حیثیت می‌شود. خیرش در دنیا می‌پیچد ولی دو نفر به دختر ۱۱ ساله بنده تجاوز می‌کنند و بعد هم به فحیح‌ترین وجه او را تکه‌تکه می‌کنند. هنوز نتوانسته‌ام تقاضا او را پس بگیرم. چرا؟ چون فقیرم و دیه را ندارم بدم تا قاتلین دخترم را اعدام کنند. خانم را به دو میلیون و پانصد هزار تومان فروخته‌ام و به سوخته‌قضاییه داده‌ام. یک میلیون و پانصد هزار تومان دیگر باید بدهم... هر روز مادرش با لباس‌های خونینش درد دل می‌کند و گزارش پزشکی قانونی را جلوی من می‌خواند می‌گذارد و ضجه‌هایی می‌کشد که دل سنگ را آب می‌کند.»

زنان شکسته دل و اغلب شکسته‌استخوان، دوباره از خانه قاضی به خانه ضارب برمی‌گردند. چرا؟ زیرا زنان در جریان رفت و آمدهای مکرر به مراکز قضایی با موقعیت خود آندکی آشنا می‌شوند و درمی‌یابند:

اگر بر پایه محکومیت شوهر به پرداخت دیه در یک پرونده یا چند پرونده جزایی تقاضای طلاق کنند. چند سال در ساختمانهای دادگستری سرگردان می‌شوند و از ترس انتقام شوهر باید هر شب را در خانه‌ای بپوشانند.

اگر توفیق پیدا کنند و قاضی عادل و دوراندیشی آنها را به ازای بذل همه حقوق مالی‌شان به طلاق خلع مطلقه کند، باید دختر خود را که بیش از هفت سال من دارد و پسر خود را که بیش از دو سال من دارد، به حکم قانون و دادگاه دو دستی تحویل پدری بدهند که از خشم و هجوم او بیمناک هستند و گریزپا. یعنی باید بچه‌های معصوم را به جلا بپارند. اگر حکم طلاق پس از سالها صادر بشود، حتی اجرت‌المثل به زن مطلقه تعلق نمی‌گیرد زیرا خود متقاضی طلاق شده است و شوهر با طلاق موافق نبوده است. قانون این‌گونه حکم می‌کند.

هر چند احتمال دارد با صدور حکم طلاق زن جان خود را حفظ کند اما فرزندانش را باید به ازای حفظ جان خویشتن خویش تحویل بدهد. چه بسا که با صدور حکم طلاق یا عدم تمکین به نان شب هم محتاج بشود.

اینست که در اغلب موارد زنان شکسته‌دل و شکسته‌استخوان از خانه قاضی به خانه شوهر شکنجه‌گر باز

## برای حفظ جان زنان آیا هنوز هم ضرورت تأسیس «خانه‌های امن» احساس نمی‌شود؟

از ماهنامه «زنان» شماره ۲۹

مهرانگیز کار

بازداشت شوهر چه دردی از او دوا می‌کرد؟ امنیت که فقط با تأسیس زندان و غل و زنجیر ایجاد نمی‌شود. پایه و اساس امنیت، پناه دادن به انسانی است که جان او مورد تهدید قرار گرفته است. نظر به این که در شرایط کنونی خشونت شوهران بیمار یا ناصالح به درجه‌ای رسیده که برای جمعی از زنان کشور کمترین راه گریزی باقی نگذاشته است، باید با ایجاد خانه‌های امن برای اسکان این زنان از جان آنها دفاع کرد. زنان نیمه‌ای از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. قوه قضائیه و بازوی انتظامی آن برای جلوگیری از آشکار شدن یک تار موی زنان انواع پلیس و گشت و دادگاه ثابت و سیار را به کار گرفته و سازمانهای عریض و طویل ایجاد کرده است. چنانچه فقط اندکی از آن بودجه هنگفت را برای حفظ جان زنانی که در معرض نقص عضو یا مرگ از جانب شوهرانشان هستند، صرف کنند، از میزان فشارهای روانی و اجتماعی زنان کاسته شده و بر میزان امنیت خاطر آنها افزوده می‌شود.

هر روز در راهروهای پزشکی قانونی زنان را می‌بینیم که صف کشیده‌اند، بی‌پناه و امیدوار و شستابزده وارد اتاقهای معاینه می‌شوند و گواهی می‌گیرند که مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. پزشکی قانونی سخاوتمندانه به آنها طول درمان می‌دهد. این تازه آغاز ماجراست. پایان ماجرا یا

میرزاقلی نادری، شوهر مهرنوش مطیعی، همسرش را به بیابان برد و او را زنده‌بگور کرد. زن یک صبح تا شب زیر خاک تیره تقلا زد تا سرانجام تنها و وحشت‌زده، در تاریکی، هوای بیابان را به سینه کشید و زندگی را دور از چشم جلاذ از سر گرفت. مهرنوش از بیابان گریخت و خود را به آب‌آبی رساند. به مدیته که رسید، وارد یک مجتمع قضائی شد. در فضای عدالتخانه زیر بالهای گسترده فرشته عدالت پناه گرفت و در برابر نماینده دولت که بر پایه وفاق عمومی مکلف است امنیت و آسایش اتباع خود را تضمین کند، تظلم کرد. آنجا عریضه نوشت و جزء جزء واقعه زنده‌بگور شدن خود را شرح داد. از مقام قضائی امان خواست تا زنده بماند و التماس کرد تا دست جلاذ را که حتماً دیگر بار برای قطع شریان حیات او دراز می‌شد، کوتاه کند. مقام قضائی به قانون استناد جست و قرار بازداشت جلاذ را صادر کرد. اما روح قانون را دریافت. که اگر دریافته بود، زن را لاقل تا محبس رفتن جلاذ در جای امنی نگاه می‌داشت و بر جان او محافظ و نگهبان می‌گماشت. مگر ارزش جان یک زن بی‌پناه کمتر از ارزش جان کسانی است که دهها محافظ دارند؟ مقام قضائی فقط بر الفاظ قانون تکیه کرد و در نتیجه شاکی روانه بیابان شد. خواهرش به جای قوه قضائیه حفظ جان او را به عهده

اینک مهرنوش سوخته و خاکستر شده‌است. تا چندی دیگر واقعه‌ای از آن هولناکتر صفحات

حوادث مطبوعات را خواندنی می‌کند و مهرنوش فراموش می‌شود

گرفت و زن تنها را که در مرکز تمدن شهری احساس ناامنی می‌کرد، به زیرزمین نمود و مرطوب و محقری که خانه‌اش بود، راه داد و او را در کنار شوهر و چهار فرزند قد و نیم‌قد به خوردن شام فرا خواند.

پرده سیاه شب فرو افتاده بود، عدالت در خواب بود، مأموران انتظامی که مأمور بازداشت میرزاقلی خان بودند و او را نیافته بودند، به اغوش شب پناه بردند. همه را خواب در ریود، جز میرزاقلی خان را که اراده کرده بود با یک گالن ۲۰ لیتری بنزین و یک فندک ناقابل به همگان ثابت کند جلاذ در جانی که روح قانون فهمیده نمی‌شود، همواره آزادی عمل دارد. او خانه محقر خواری را که پشگاه خداهای تنها و آواره‌اش شده بود، به آتش کشید و مهرنوش را با چهار فرزند میزبان به کام مرگ سپرد.

مهرنوش به مقام قضائی گفته بود: «حالا از کینه‌ورزی شوهرم می‌ترسم و می‌خواهم برای نجات جانم طلاق بگیرم.» طلاق به خواسته زن، حتی اگر متقاضی آن زنی باشد که یکبار توسط شوهر زنده‌بگور شده است، آسان نیست. مراحل دارد، تشریفات دارد و ماهها و سالها می‌گذرد تا قاضی انشاء کننده حکم مراتب عسر و حرج زن را احراز کند. اگر مهرنوش آن شب طعمه شعله‌های خشم و کینه شوهر نمی شد، بی‌گمان در فاصله اوقات دادگاهی و در جریان اطاله

دادرسی، بارها و بارها از ترس می‌مرد و زنده می‌شد. تازه به فرقی هم که جلاذ بازداشت می‌شد، سرانجام بر پایه الفاظ قانون (نه روح قانون) با قرار و وثیقه‌ای، قرار کفالتی...، از محبس رهائی می‌یافت و در قلب مدیته، بر جان و شرف انسانی مهرنوش یورش می‌برد. زیرا مهرنوش و امثال او که شوهری خشن و بی‌رحم در کنار خود دارند، اگر در جریان رسیدگی دادگاه به درخواست طلاق که معمولاً شوهران خشن و بی‌رحم را به اوج جنون و کینه‌ورزی می‌کشاند زنده بمانند، از ترس مرگ و ناامنی زیر فشار تهدیدهای جانی و حیثیتی شوهر کینه‌توز یا قبيله او دیوانه می‌شوند.

اینک مهرنوش سوخته و خاکستر شده‌است. تا چندی دیگر واقعه‌ای از آن هولناک‌تر صفحات حوادث مطبوعات را خواندنی می‌کند و مهرنوش فراموش می‌شود. یادتان می‌آید؟ چند سال پیش قاضی نشسته بر مسند دعاوی خانوادگی حکم تمکین زن جوانی را به اعتبار الفاظ خشک قانون صادر کرد. آن زن که از ترس خشونت شوهر به خانه پدر پناه برده بود، به تصور آنکه هرگاه به حکم تمکین نکند، به جهنم می‌رود، امر دادگاه را اجرا کرد. به خانه شوهر بازگشت و سپیددم روز بعد، یعنی فردای شب تمکین، جنازه‌اش را از خانه شوهر بیرون آوردند! آیا این واقعه هولناک فراموش نشد؟ آیا پس از آن جنایت، گواهی برآی، اصلاح و بازنگری قوانین برداشته شد؟ آیا قوانین خانواده به خصوص در بحث تمکین، مورد بحث قرار گرفت؟ آیا برای حفاظت از حق حیاتی زنانی که در علقه زوجیت جانیان ظاهر فریب بسر می‌برند، رویه واحدی اتخاذ شد؟ آیا سازمان قضائی کشور که مهم‌ترین وظیفه‌اش پیشگیری از وقوع جرایم است، برای حفظ جان این زنان چاره‌ای اندیشید؟ آیا ضرورت تأسیس خانه‌های امن احساس شد؟ آیا نیازهای روز فهمیده شد؟ آیا دولت و بازوی قضائی آن

چتر حمایتی بر سر زنان بی‌پناه گشودند؟ مهرنوش به امید کدام امنیت راه عدالتخانه را در پیش گرفت؟ آیا بهتر نبود در همان بیابان برهوت، دور از مدیته که کاذب است، سکس می‌گزید؟ مهرنوش از عدالتخانه چه می‌خواست؟ قاضی برای او چه می‌کرد؟ صدور قرار

## چپ چیست؟ و کیست؟

علی بهرامی

قاره دنیا و بدهکاری یک نیم قاره را نتیجه سیاست‌های استثمارگرانه سرمایه جهانی می‌دانند می‌توانند در جبهه چپ باشند، اینها چپ‌های غیر سوسیالیست هستند که با سوسیالیست‌ها اهداف مشترک دارند. این جریان‌ها شاید خردشان را چپ ندانند و ما هم اصراری نداریم که آنها را چپ بنامیم ولیکن اینها ضد سرمایه و در ایده حتی خواهان محو طبقات نیز هستند و این، آن محتوایی است که مهم‌تر از هر نامگذاری است. چه جریان‌های سیاسی و یا چه افرادی نماینده این طرز تفکر در ایران هستند در توانایی و موضوع این نوشته نیست. ولی می‌توان گفت که امروزه در مقیاس بین‌المللی طرفداران سوسیالیسم که بخشی از نیروهای چپ را تشکیل می‌دهند به سه نیروی عمده تقسیم می‌شوند:

۱) کمونیست‌ها (با طیفهای مختلف)  
۲) سوسیال‌دمکرات‌ها (با طیفهای مختلف)  
۳) طرفداران راه نو که در جستجوی راهی دیگر هستند که نه راه و روش کمونیست‌ها سابق را قبول دارند و نه مانند سوسیال‌دمکرات‌ها اصلاح‌طلب و اپوزیسیون دائم سرمایه‌داری می‌باشند.  
مختصر آنکه این نیرو انتقاد از جامعه سرمایه‌داری را با شدت و حدت بیشتری نسبت به سوسیال‌دمکرات‌ها دنبال می‌کنند ولی در عین حال در چارچوب اپوزیسیون قانونی جامعه سرمایه‌داری می‌گنجند. در آینده باید دید که این راه چگونه تثویز می‌شود. نتیجه آنکه در مقوله راه‌های اجتماعی جبهه چپ گسترده‌تر می‌شود و همراهی و همسویی غیر سوسیالیست‌ها با سوسیالیست‌ها جبهه عدالت را نیرومند خواهد ساخت.

از سوی دیگر نیروهای عدالتخواه درک واحدی از دموکراسی سیاسی نداشته و لذا ترکیب جبهه دموکراسی لزوماً منطبق بر ترکیب «جبهه داد» نخواهد بود. توضیح آنکه معتقدان به دیکتاتوری پرولتاریا و همچنین چپ‌هایی که از راه‌های غیر دموکراتیک می‌خواهند به اهداف خود برسند با چپ‌هایی که دموکراتیک را پایه و اساس کار خود قرار می‌دهد چه قرابتی می‌تواند داشته باشد (لازم به تذکر است که چپ‌های دموکرات با معتقدان به دیکتاتوری پرولتاریا در عمل مشخص علیه استبداد و به سود دموکراتیک می‌توانند اتحاد عملیای وسیع داشته باشند ولی بحث بر سر بنیادهای فکری (است) واضح است که طبقات و اقشار پائینی جامعه بیش از نیروهای دیگر به دموکراتیک سیاسی - اجتماعی نیاز دارند. آنها بیشتر از هر نیروی اجتماعی دیگر احتیاج دارند که تشکلهای خاص خود را داشته باشند.

طبقات بالای جامعه بطور طبیعی همه ارگانهای اجرایی و تمامی تشکلهای موجود را در دست دارند. چپ‌ها نیز از تمام نیروهای دیگر برایشان مناسب‌تر است که آزادی سیاسی - اجتماعی هر چه کامل‌تر وجود داشته باشد. مسلماً برای جریانی که کمتر از یکصد سال کشته و زندانی داده و در خیابانها ترور شده و هیچگاه غیر از مقاطع کوتاه نتوانسته رو در رو با مردم سخن بگوید و حتی در آن مقاطع کوتاه هم مزه انواع گوناگون چماق را چشیده، چه چماق شاهنشاهی اوباشان رژیم گذشته از شهریور ۲۰ تا کودتای

جایگزین سرمایه‌داری می‌شود. ایده جامعه بهتر و مدینه فاضله که از هزاران سال پیش در ذهن بشر مطرح بوده نه تنها منفی نیست بلکه خود انگیزه‌های برای پیشرفت است و نقش مثبتی ایفا می‌کند، ولی علم به چیزی اعتقاد ندارد و فقط وقتی قضیه‌ای برایش ثابت شد یقین علمی حاصل می‌گردد که آن هم نسبی است و با شرایطی دیگر تغییر می‌کند.

وقت آن رسیده که شک روشنگرانه را جایگزین ایمان و اعتقاد نمائیم و در مسایل پیچیده اجتماعی پیش بینی نکنیم که همه پیش‌بینی‌های گذشته در مورد چگونگی گذار به سوسیالیسم را دستور روز جامعه ایران می‌دانند فعلاً طرف سرمایه‌داری سیستم اجتماعی - اقتصادی ایده‌آل بشریت نیست تضادها و تناقضات دورنی آن هر روز مقابل چشمان ماست ولی هنوز هم آلترناتیو سرمایه‌داری سوسیالیسم نیست. به ایران خودمان برگردیم، امروز چه کسانی در ایران سوسیالیسم را آلترناتیو سیستم کنونی می‌دانند آنها می‌گویند سوسیالیسم را دستور روز جامعه ایران می‌دانند فعلاً طرف صحبت ما نیستند. بطور مثال می‌خواهم دو مقوله عدالت اجتماعی و دموکراسی را از نقطه نظر کسانی که سوسیالیسم را عاجل نمی‌دانند بررسی نمائیم و ببینیم که در این دو مقوله چپ چیست؟ و کیست؟

از نقطه نظر سوسیالیست‌ها عدالت اجتماعی به شرطی کامل و ایده‌آل است که ابزار تولید در اختیار جامعه قرار بگیرد. آنها مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را علت‌العلل همه خانه خرابی‌ها و نابرابری‌ها می‌دانند.

اگر تعریف جدیدی برای عدالت اجتماعی از دیدگاه سوسیالیست‌ها در دست باشد من از آن بی‌اطلاع - این برداشت البته مختص سوسیالیست‌ها نیست. ویل و آریل دورانت در تاریخ تمدنهای می‌نویسند: «در نوامبر ۱۷۵۲ فرهنگستان دیزون مسابقه دیگری اعلام کرد. سؤال تازه این بود، منشاء نابرابری در میان افراد بشر چیست و آیا قانون طبیعی آن را مجاز می‌دارد؟ پاسخی که روسو به فرهنگستان دیزون تقدیم داشت جایزه‌ای برایش نیاورد ولی وقتی در ژوئن ۱۷۵۵ گفتار را منتشر کرد این رضای خاطر برایش شد که بار دیگر موضوع مباحث هیجان‌انگیز مائیلی پاریس شده‌است...»

روسو منکر نابرابری «طبیعی» یا جسمانی افراد نبود و قبول داشت که بعضی اشخاص از بدو تولد از نظر جسمانی، اخلاقی، یا فکری سالم‌تر و نیرومندتر از دیگرانند ولی استدلال می‌کرد که کلیه نابرابری‌های دیگر از قبیل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و معنوی غیر طبیعی هستند و زمانی بوجود آمدند که بشر از «وضع طبیعی» خارج شد، مالکیت خصوصی را بر قرار کرد و برای حفظ اموال و امتیازات دولت‌هایی بوجود آورد. (ص ۳۸ - ۳۷ روسو و انقلاب جلد ۱)

با یک نگاه به وضعیت انحصارات و قدرت سرمایه و با توجه به اینکه در ذهن اکثریت مردم دنیا حذف مالکیت خصوصی مستقیم نیست و مهم‌تر آنکه در عمل ابزار چنین تحویری در دست نیست، فعلاً امکاناتی برای اجتماعی کردن ابزار تولید و از بین بردن مالکیت خصوصی وجود ندارد. دستور کار امروز ما می‌باید توزیع عادلانه ثروت و کم کردن فاصله طبقاتی در جامعه ایران باشد.

از نقطه نظر برنامه‌ریزی اقتصادی - رفاهی ما باید طرفدار سیاستی باشیم که فاصله فقیر و غنی را در کشورمان کم می‌کند و شاید ما باید سعی کنیم یک متوسط نسبتاً مرفه که کارپایه دموکراتیکم پابرجا گردد بوجود بیاوریم. واضح است که رفاه برای اقشار متوسط می‌باید نتیجه کار و کوشش همگانی باشد نه اختصاص درآمد نفت برای مصرف هر چه بیشتر. با وجود یک رژیم لائیک و مردمی چنین طرحی قابل اجرا می‌باشد. در واقع این یک رفاه اجتماعی - اقتصادی است که منجر به نابودی سرمایه نمی‌شود، و هیچگونه توهم و تخیلی برای گذار به سوسیالیسم از این راه نباید بوجود بیاید، بلکه بسیج مردم و آشنایی آنها به حقوق مدنی و سیاسی خود و به وجود آوردن رفاه عمومی سبب ایفای نقش هر بیشتر مردم در حیات سیاسی جامعه می‌گردد. قابل ذکر است که ایران می‌باید در جرگه کشورهای پیشرفته قرار بگیرد. ایران می‌تواند و باید که تمامی کشورهای بزرگ جهان منجمله آمریکا روابط تجاری - اقتصادی داشته باشد.

ما نه قادریم و نه به سود زحمتکشان کشور ما است که راه رشد سرمایه‌داری را در ایران سد کنیم، ولی ما به عنوان نیروهائی که طرفدار منافع اقشار و طبقات پائین جامعه هستیم و عملکرد سرمایه را هم به وضوح چه در کشور خودمان و چه در جهان مشاهده کرده‌ایم.

چه الگویی را باید برای رشد اقتصادی و توسعه ایران در نظر بگیریم که اولاً در ردیف کشورهای پیشرفته دنیا قرار بگیریم و ثانیاً این پیشرفت به بهای خانه خرابی اکثریت عظیم مردم جامعه ما نباشد؟

معضل جامعه ما این است که از یک طرف ما نیاز به گسترش صنعت مدرن داریم و در زمینه‌هایی مثل عقب‌ماندگی ما تولید عقب‌مانده سرمایه‌داری است و از طرف دیگر سرمایه به طرف انباشته شدن، سود بیشتر و استثمار هر چه بیشتر مردم پیش می‌رود. حل مشکل جامعه ما در گرو پاسخ درست به رابطه توسعه و عدالت اجتماعی است.

امروزه در ایران کسانی که سرمایه‌داری را یک سیستم اقتصادی - اجتماعی ناعادلانه می‌دانند و فقر حداقل یک

اصولاً نمی‌توان یک تعریف همه جانبه و بدون نقص که کلیه خصوصیات چپ را توضیح دهد ارائه نمود. بی‌جای آن که بخواهیم تعریف و فرمولی از این پدیده بغرنج و پیچیده اجتماعی ارائه دهیم، درست‌تر آن است که مراجعه مجددی به مفاهیم و مقولاتی که به موضوع چپ مربوط می‌شود بنمائیم. در گذشته آشخور فکری ما لنینیسم بود و از این زاویه به نظرات سوسیال‌دمکرات‌ها و کمونیست‌های اروپائی و یا هر نظر دیگری که مخالف نظرانتان بود توجهی نداشتیم. به همین دلیل فروپاشی اتحاد شوروی و شکست تفکر لنینیستی برای ما شکست کامل جنبش چپ به نظر می‌آمد. هرچند کمتر جریان چپ و یا دموکراتی از چنین شکستی خوشحال گردید ولی نادروستی نظرات ما در واقع اثبات برخی از نظرات سایر چپ‌ها بود.

هدف این نوشته دفاع و یا رد جریان فکری خاصی نیست بلکه منظور طرح بحثی است برای شناخت و مطالعه نظرات گوناگون در مورد جامعه سرمایه‌داری و... اینکه با توجه به تحولات جهانی چند ساله اخیر چه نیروهائی عملاً در جبهه چپ قرار می‌گیرند.

هر چند طرح سؤال چپ چیست؟ و کیست؟ ممکن است ما را از وظایف واقعی خودمان باز بدارد و لفاظی و بازی با کلمات باز هم سالیان سال ما را به خورد مشغول دارد، ولی با این وجود وظیفه ما بررسی موضوعاتی است که پاسخ به آنها یا تلاش در جهت حل آنها تا حدودی می‌تواند به روشن شدن سؤال بالا کمک نماید.

در طرح زیرین چنین فرض شده که چپ یک عنصر ترقی است و مقصد، تمایل و عملش می‌باید حرکت جامعه را به پیش برده و بر اثر تجماع و عقب‌ماندگی بایده کند یا بکوشد که غلبه نماید. بر همین دلیل کسانی که با اندیشه‌های ماقبل سرمایه‌داری مخالفند شامل نیروهای چپ نمی‌باشند در عین حال نام «چپ» باعث نشد که در مقاطع مختلف تاریخ معاصر کشورمان این نیروی اجتماعی بعضاً به بیراهه نرود.

### طرح بحث

سوسیالیست‌ها چنان که از نامشان پیداست چه از نوع تخیلی آن و چه بعدها سارکسیست‌ها خواهان ایجاد جامعه سوسیالیستی بوده‌اند ولی به واسطه درک‌های متفاوتی که از جامعه سرمایه‌داری و خود سرمایه‌داری به مثابه یک سیستم داشتند، راه‌های مختلفی را برای رسیدن به سوسیالیسم پیشنهاد می‌کردند.

مارکسیست‌ها جامعه سرمایه‌داری آن زمان را رو به انفجار و ظرفیت‌هایش را پایان یافته اعلام می‌داشتند و طبقه کارگر اروپا را فرا می‌خواندند که به این سیستم پوسیده پایان بخشد و روئینای کهنه را با روئینائی نو عوض نمایند. قطع راه سرمایه‌داری و راه رشد سوسیالیستی می‌بایست با ابزار دیکتاتوری پرولتاریا یا متحقق گردد. «نتیجه‌های کار مارکس بعد از شکست کمون پاریس گرفت».

سوسیالیست‌های رفرمیسم معتقد بودند که ظرفیت‌های رو به رشد سرمایه‌داری پایان پذیرفته است و این ساختار خواهد توانست از بحران کنونی رهائی یابد. لذا وظایف سوسیالیست‌ها را کار آرام در درون سیستم و استفاده از ابزارها، وسایل و امکانات موجود در جامعه سرمایه‌داری در جهت حرکت به سمت سوسیالیسم می‌دانستند.

تجدیدنظرطلبان معتقد بودند که تاکتیک همه چیز و استراتژی هیچ! آنها به جنبش عملاً موجود بهایی بیش از حد داده و می‌گفتند که ما نمی‌دانیم و نمی‌توانیم بدانیم که سوسیالیسم کی و چگونه مستقر می‌شود. لذا با امکانات درون جامعه سرمایه‌داری می‌باید جنبش عملاً موجود را سازمان داد.

سرمایه‌داری به انحصارات فرا روئید و لنینیست‌ها به بررسی و تحلیل امپریالیسم پرداخته و نتیجه گرفتند که امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه‌داری است. ولی مسیر واقعیات بگونه دیگری طی شد، سرمایه‌داری توانست با تمام مشکلات ساختاری خود به بحرانهای مرحله‌ای فزاینده آید و به راه خود ادامه دهد.

به این ترتیب معلوم شد که سرمایه‌داری ظرفیت‌های رشدی فراتر از آن دارد که سوسیالیست‌ها جمع‌بندی کرده بودند، در دوره‌های گذشته هر گاه سرمایه‌داری به بحرانهای طولانی مزمن دچار می‌شد رادیکالها تقویت می‌گردیدند و در دوران صلح، آرامش و رونق اصلاح طلبان یک‌تازی می‌کردند و رادیکالها از دست کارگران یقه سفید می‌نالیدند. تقسیم‌بندی رادیکالها و اصلاح طلبان در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری انجام پذیرفته که همان کمونیست‌ها و سوسیال‌دمکرات‌ها هستند.

در مورد ایران وجود سوسیال‌دمکراسی در مفهوم واقعی‌اش و همچنین وجود کارگران یقه سفید مطرح نیست. نیروهائی که در چهارچوبه تفکر سوسیال‌دمکراسی فعالیت می‌کنند هرگز به یک حزب قوی و یک جریان اجتماعی پر قدرت تبدیل نشدند و در حال حاضر نیز در ایران هیچ جریانی را نمی‌توان نماینده تفکر سوسیال‌دمکراسی به معنا و مفهوم غربی آن نامید. زیرا اصولاً رادیکالیسم جامعه ما از نوع دیگر است و ساختار اجتماعی اقتصادی ایران کنونی چنین مایه‌آزایی ندارد.

با رشد انقلاب علمی - فنی سرمایه‌داری ظاهراً امکانات دیگری در اختیار گرفته. پس از گذشت سالها دوباره این سؤال در مقابل ما قرار می‌گیرد که میزان رشد سرمایه‌داری تا کجا و تا چند خواهد بود؟ آیا تضادها و تناقضات دورنی‌اش منجر به نابودی آن می‌شود یا آن که جامعه سرمایه‌داری قادر است که این تضادها و تناقضات را نابود و یا تعدیل نماید؟ جامعه سرمایه‌داری همه ارگانها، احزاب، نهادهای مردمی و دموکراتیک می‌باشد و لزوماً با اقتصاد سرمایه‌داری اجتناب ناپذیر است؟ بهتر است این سؤالها را به حال خود واگذاریم زیرا که پاسخ آنها ساده نیست و اساساً ما در آستانه پاسخ دادن به آنها نیستیم. حداکثر این است که بگوئیم ما ایمان داریم به سوسیالیسم و معتقدیم که سوسیالیسم ناگزیر

۲۸ مرداد ۳۲ و چه چماق حزب‌الله در اوایل انقلاب، آزادیهای بی‌حد و حصر سیاسی - اجتماعی حیاتی است. اینکه اینجا و آنجا گفته می‌شود که چپ‌ها پیگیرترین دمکرات‌ها هستند از نقطه نظر سیاسی - اجتماعی درست است ولی در عرصه اقتصاد و بازار، اتفاقاً چپ‌ها برای آزادی محدودیت قایل می‌شوند و این سرمایه‌داری است که خواهان آزادی بدون قید و شرط برای غارت دنیا است.

هم اکنون در چند کشور اروپایی دولت رفاه تحت فشار جدی قرار دارد و در تعدادی دیگر اساساً چنین دولتی وجود ندارد. در آمریکا این تئوری طرفداران زیادی دارد که سرمایه‌های بزرگ و کارتل‌های پر قدرت نباید اصلاً مالیات بپردازند. (نه اینکه در گذشته می‌پرداختند) زیرا پرداخت مالیات و محدودیت‌هایی از این دست باعث عدم رشد سرمایه است و در بازار جهانی باعث عقب‌ماندگی آمریکا می‌شود.

آزادی برای لیبرالها و نولیبرالیسم همچنان مهم‌تر از هر چیز به معنی آزادی از کنترل، اجبار، محدودیت و مداخله دولت است. چپ‌ها با آزادی بدون قید و شرط سرمایه در اقتصاد و بازار نمی‌توانند موافق باشند. راه حل عملی البته در گرو مکانیسم خاص بین بخش دولتی و خصوصی است و بوجود آوردن سیستم کنترل دولتی، تشویق سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و غیره می‌باشد. همه این مکانیسم‌ها حالت مسکن و موثری دارند مسلماً سرمایه به استثمار خود ادامه می‌دهد و هیچ بخشنامه و آیین‌نامه‌ای هم نتوانسته جلوی این غول بی‌شاخ و دم را بگیرد به عبارت دیگر سیاست‌های فوق، استثمار و نابرابری را از بین نخواهد برد. شاید تا اندازه‌ای آنها را تعدیل کند.

پیچیدگیهای فوق باعث می‌گردد که در بین نیروهای اجتماعی درک‌های متفاوتی در عرصه دموکراتیکم اقتصادی و سیاسی بوجود بیاید، و در زمینه دموکراتیکم جبهه چپ شامل عناصری متفاوت از گذشته باشد از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که معنا و مفهوم چپ بسیار سیال و شکننده است، جبهه چپ در مقوله عدالت اجتماعی شامل نیروهای متفاوتی است از شرکت کنندگان همین جبهه در عرصه دموکراتیکم.

واضح است که این دو مقوله به عنوان مثال ذکر گردید و گرانه هویت چپ تنها به این دو عرصه محدود نمی‌باشد. هنر و ادبیات و فعالیت‌های اجتماعی کماکان عرصه فعالیت نیروهای چپ برای به نمایش گذاشتن هویت خویش است کوشش ما باید گسترش خرد و فضیلت و کسب رفاه و آسایش برای هموطنانمان باشد. هیچ چیز را نمی‌توان جایگزین عمل مشخص احزاب و سازمانهای سیاسی نمود. ما در دست داشتن یک سری تئوری‌های کلی امیدی به حل مسایل کنکرت نباید داشت.

افکار و اندیشه‌ها و خواستگاه‌های سیاسی و طبقاتی نیروهای مختلف اجتماعی در هم فرو می‌رود و ایجاد یک چارچوب سفت و سخت و غیر قابل عبور نه عملی است و نه عادلانه. آنچه تعیین‌کننده است پیدایی ابزارها و راه‌های عملی برای حل مشکل عقب‌ماندگی به سود اکثریت عظیم مردم کشورمان است. کسب این توانایی ما را از ایجاد مرزهای مصنوعی و قالبی بی‌نیاز می‌کند.

چپ ایران در دوران کنونی تحولات عمیقی را از سر می‌گذراند. هنوز نمی‌توان پیش‌بینی نمود که چپ در حال گذار به چه جریانی فرا می‌رود. این نیرو در حال تدارک تئوریک نظریات خویش است، از آنجایی که اکنون بخش عظیمی از این جریان در خارج از کشور و عمدتاً در کشورهای اروپایی بسر می‌برد مسلماً تحت تأثیر جریانات چپ اروپایی قرار می‌گیرد، باید متوجه بود که استفاده از تجارب غنی چپ اروپا به الگو برداری از این احزاب منجر نگردد. آیا ما قادریم چپ ایرانی باشیم و ویژگی‌های جامعه خودمان را بشناسیم؟

## حجاب اجباری علیه دموکراسی و...

بقیه از صفحه ۷

حجاب اجباری زنان را تبدیل به بیگانگان، تبدیل به انسان های درجه دو و بدون حقوق می‌کند. چادر نفی پلورالیسم است، سبیلی علیه آزادی عقیده است. بیانیتهایی علیه اصول دموکراسی.

این جا دوباره می‌گویم: آلمانی‌ها تصمیم خود را بگیرند نفت ارزان و استبداد یا حقوق زنان و دموکراسی در کشورهای عربی. کسی که طرفداری از حقوق زنان را انتخاب می‌کند می‌تواند کارهای زیادی در این راه انجام دهد. از رژیم خود بخواهید که کشورهای عربی و تمام جنبش‌های افراطی که حقوق زنان را پایمال می‌کنند را بایکوت کند و کمک به کشورهای دیکتاتوری زن سیز و مبادله فرهنگی با آنها را متوقف کند. تلاش کنید که رابطه مستقیم با جنبش‌های زنان و حقوق بشر در کشورهای عربی داشته‌باشید، افکار عمومی در کشورهای عربی بشدت فعال شده است و ما زن‌ها علیرغم ترور هر روزه علیه ما، در این جا نقش مهمی داریم.

## تحریم اقتصادی و خطر حمله نظامی

بقیه از صفحه اول

به تبلیغات گسترده‌ای که علیه فعالیت‌های تروریستی صورت گرفته و انگشت اتهامی که به سوی حکومت اسلامی متوجه شده است، پذیرا و خواستار ضربه نظامی به حکومت اسلامی است.

طبعاً هیچ نیروی آزادیخواه و وطن‌دوست نمی‌تواند بر تجاوز آمریکا علیه ایران مهر تأیید بگذارد و آمریکا با اقدام نظامی خود در مقابل تمام مردم کشور ما قرار خواهد گرفت.

نظامی علیه اهداف سیاسی و نظامی در داخل خاک ایران را تهیه و تنظیم کرده است. نیروهای نظامی آمریکا مستقر در منطقه در حال آماده باش به سر می‌برند و به خانواده‌های آنها دستور داده شده است که به آمریکا بازگردند.

کلینتون در حال حاضر درگیر رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری است و هیچ فرصتی را برای بالا بردن موقعیت خود در بین مردم از دست نمی‌دهد. افکار عمومی آمریکا با توجه



## تهران دومین شهر آلوده جهان

بگزارش سازمان جهانی بهداشت تهران از نظر میزان «دوده» معلق در هوا، دومین شهر آلوده جهان است و تهرانی‌ها در هر دقیقه ۱۲ تا ۲۰ بار ریه‌هایشان را از چنین هوایی پر می‌کنند. هم‌اکنون تهرانی‌ها، بدون وقفه در دود و دم نفس می‌کشند و بجای اکسیژن، گرد و غبار و سرب به ریه می‌فرستند. در این میان سالمندان و کودکان و بیماران قلبی و ریوی آسیب پذیرتر از دیگران بنظر می‌رسند. بگفته کارشناسان محیط زیست و منابع نظریه موتوری، کارخانه‌ها و منابع گرمایشی مسکونی سه عامل مهم آلودگی هوا هستند که باعث وارد شدن گازهای خطرناک و سمی به بدن انسان می‌شوند که بیماریهای ریوی، قلبی، عصبی و نارساییهای خونی را بدنبال دارد. ۳ سال پیش امضا کنندگان بیانیه «هوای تهران - ۷۲» با طرح این پرسش حیاتی که آیا راهی برای نجات از این وضع هولناک باقی است و آیا می‌توان بار دیگر آسمان شفاف و هوای پاکیزه کوهپایه‌های البرز را به شهری که در گذشته چندان دور به «چنارستان» شهرت داشت، بازگرداند؟ اما امضا کنندگان بیانیه به جواب قانع‌کننده‌ای نرسیده‌اند. تهران هزار مشکل دارد و بزرگترین آن، تردد انبوه موتور

سیکلت‌ها و خودروهای معیوب و فرسوده‌ای است که آلودگی بیش از حد تولید می‌کنند. منشا آلودگی اصلی وسائیل نقلیه موتوری است. کارشناسان محیط زیست می‌گویند با همه شعارها و اقدامات بعمل آمده در زمینه کاهش آلودگی هوا، هنوز در ابتدای راه هستیم. بنابراین مشکل آلودگی هوا یک مسئله عمومی و ملی است. بسایید در ایمن زمینه سرمایه‌گذاری‌های لازم صورت گیرد و اقدامات ضرور برای اصلاح سیستم حمل و نقل، اصلاح کیفیت خودروها، آموزش همگانی و حمایت از تحقیقات بعمل آید.

## گوناگون

## «انقلابیون هم پیر می‌شوند»

خلاف بسیاری از همتاپانش با اهل هنر و فرهنگ نیز مشهور و دمخور بوده و هست و هم اینک نیز با گابریل گارسیا مارکز، رمان‌نویس نامدار جهان روابطی نزدیک و صمیمی دارد. در ۷۰مین سالگرد تولد کاسترو بسیاری از دوستان

فیدل کاسترو که زمانی گفته بود انقلابیون پیر نمی‌شوند، خود روز سه شنبه گذشته هفتاد ساله شد و به گفته خویش هنوز هیچ اثری از پیری در وجود خویش احساس نمی‌کند. کاسترو ۳۷ سال پیش با بدست گرفتن قدرت در کوبا جوان‌ترین رئیس جمهور جهان بود و اینک با سابقه‌ترین و



انقلاب و مردم کوبا از خود پرسیدند که آیا وی گذر از مرز ۷۰ سالگی را مناسبتی برای واگذار کردن میدان به جوانترها خواهد یافت و آیا وی پیش از ترک صحنه ساختار سیاسی و اقتصادی کوبا را با تغییرات لازم و سنجیده چنان آماده و کارآمد خواهد کرد که هم دستاوردهای انقلاب باقی بماند، هم روند امور پس از وی دچار سکنه و وقفه نشود و هم تحریکات خارجی کماکان بی‌اثر بماند؟ این پرسش اگر پاسخی مثبت بیابد تاریخ کوبا که هم اینک هم نوشتنش بدون پرداختن به کاسترو و حکومت وی ناممکن و بی‌معناست در تجلیل و ستایش از او گشاده‌دستی باز هم بیشتری نشان خواهد داد.

پیرترین رئیس‌جمهور جهان است. در دوران حکومت کاسترو آمریکا ۹ رئیس‌جمهور به خود دیده است، که برخی با حکومت وی تا مرز درگیری نظامی نیز پیش رفته‌اند و یا به کشتن او حکم کرده‌اند. کاسترو تاکنون از ۳۰ توطئه سو قصد جان سالم بدر برده است که به لحاظ تعداد در تاریخ معاصر بی‌سابقه است، ولی در عین حال بیشترین مدالها و نشانهای افتخار و نیز بیشترین تعداد دکترای افتخاری دنیا را از شرق و غرب عالم دریافت کرده است. در عرصه سخنوری نیز کاسترو در تاریخ معاصر رقیبی ندارد و سخنرانیهای ۶، ۷ ساعته وی که کمتر اثری از خستگی در چهره مخاطبانش باقی می‌گذارد هنوز هم اعجاب برانگیز است. کاسترو بر

## سیر و سیاحت و تجارت یا شرکت در عزای «رهبر»

و خواهران مسئولان رده پائین وزارتخانه‌ها و ادارات به قصد سیاحت و تجارت اعزام می‌شوند که جای رسیدگی بیشتر دارد.

کیهان هوایی - ۱۰ مرداد

«امسال به مناسبت سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، ۱۸۰ نفر از تاجیکستان به تهران آمدند، نحوه انتخاب غالب این افراد به صورت سهمیه ادارات بوده و نکته قابل تأمل این که برخی برگه‌های دعوتنامه خود را در برابر دلار، به سایرین می‌فروختند. در بیشتر این سفرها، همسران و مادران

## «قورمه سبزی»، خوراک ملی!

ماکارونی با ۱۱ درصد، آبگوشت و ماهی با ۵ درصد و چلوکباب با ۴ درصد در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. این نظر خواهی نشان می‌دهد که بر خلاف تصور رایج چلوکباب مقام و منزلت چندانی در میان مردم ندارد و عملاً میدان را به قورمه سبزی و قیمه وا گذاشته است. غذاهایی که به نوشته خود نشریات حکومت، بسیاری از مردم تنها شاید سالی یک یا دوبار امکان تهیه آنها را دارند.

در گرماگرم تورم و گرانی که بخش‌های بزرگی از مردم سفره خود را تنها با نان و احتمالاً غذایی ساده و ارزان پر می‌کنند و گوشت به کالایی لوکس بدل شده است، روزنامه ایران دست به یک نظر خواهی در باره محبوب‌ترین غذاها در میان مردم زده است. قورمه سبزی با ۱۹ درصد آرا در صدر غذاهای مورد علاقه پرسش‌شوندگان قرار گرفته و قیمه با ۱۸ درصد، چلو مرغ با ۱۳ درصد، فسنجان و

## تناسب ثروت در جهان

عمران ملل متحد متذکر می‌شود که جهان کنونی از نظر اقتصادی بیشتر از گذشته به دو قطب تقسیم شده است. این گزارش اظهار می‌دارد، زمانی رشد اقتصادی برای مردم واقعیت می‌یابد که انسان‌ها کار مولد با حقوق خوب داشته باشند. رشد اقتصادی بخودی خود ایجاد شغل نمی‌کند. مطالعه در ۶۹ کشور طی دهه گذشته نشان داده است ۲۷ کشور دارای رشد مشاغل بوده‌اند و ۴۰ کشور رشد بیکاری داشته‌اند. در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۶ آمده است که این مردم هستند که نیازمند توجه رهبران جهان می‌باشند و ریشه اقتصادی در اغلب اوقات لزوماً منتهی به اصلاح وضعیت زندگی مردم نمی‌شود.

گزارش مرکز اطلاعات سازمان ملل حاکی از آنست که شکاف بین داراها و ندارها مرتباً در حال تشدید است و روزبروز اغنی‌تر و فقرا فقیرتر می‌شوند. بر اساس این گزارش سپرده‌های ۳۵۸ میلیارد در جهان از مجموع درآمد ۴۵ درصد، به عبارتی ۲/۷ میلیارد نفر از مردم جهان بیشتر است و قریب به ۹۰ کشور جهان در حال حاضر وضعیت اقتصادی بدتری نسبت به ۱۰ سال گذشته دارند. این گزارش در ادامه خاطر نشان می‌سازد علیرغم جریان سریع رشد اقتصادی در ۱۵ کشور جهان طی سه دهه گذشته، وضعیت قریب یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر از مردم جهان نسبت به ۱۵ سال قبل بدتر شده است. جیمز گوستاو اسپیت رئیس برنامه

## فاصله طبقاتی در انگلستان

در این کشور ۴۰ درصد فقیرترین قشر جامعه تنها ۱۴/۵ درصد از ثروت‌های ملی کشور را در اختیار دارند که در مقایسه با دیگر کشورهای غربی بسیار پائین است. به نوشته روزنامه ایندیپندنت (چاپ لندن) فقرای انگلیس شرایط بهتری از فقرای کشورهای جهان سوم دارند اما در مقایسه با کشورهای غربی وضعیت نامناسب‌تری دارند. مقایسه گزارش جدید سازمان ملل با گزارش‌های قبلی نشان می‌دهد نابرابری اقتصادی در انگلیس به شدت در حال افزایش بوده است.

فاصله طبقاتی در انگلستان در بالاترین سطح در میان کشورهای غربی قرار دارد. بر اساس گزارش سازمان ملل تفاوت طبقات میان فقرا و ثروتمندان در انگلستان در حد برخی کشورهای آفریقایی مانند نیجریه است. جزئیات آماری «گزارش توسعه انسانی» سازمان ملل نشان می‌دهد نابرابری طبقاتی در انگلستان طی دوران زمامداری محافظه کاران بشدت افزایش یافته و طبقه کم‌درآمد انگلیس اکنون درآمد مشابه طبقه کم‌درآمد کشورهای مانند مجارستان و کره دارد.

## هدر رفتن آب

سالانه در ایران ۹۰۰ میلیون متر مکعب آب شهری به دلیل فرسودگی شبکه‌های آبرسانی هدر می‌رود. رقم یاد شده ۳۱ درصد تولید آب شهری کشور است.

بگفته مقامات کشور طول خطوط شبکه و لوله‌های آبرسانی شهری کشور ۶۳ هزار کیلومتر است. بازسازی سالانه ۱۵ درصد از این خطوط با اعتبارات کنونی دستکم ۱۰ تا ۱۵ سال زمان نیاز دارد.

## در ۱۶ سال مساحت

## جنگل هانصاف شده است

افزایش جمعیت، آلودگی رودخانه‌ها، تخریب جنگل‌ها و مزایج و حیات وحش، طبیعت زیبای مازندران را در معرض نابودی قرار داده است.

کارشناسان محیط زیست مازندران هشدار می‌دهند در صورتی که روند کنونی آلودگی محیط زیست ادامه یابد در دهه‌های آتی آثار ناچیزی از طبیعت زیبا و هوای لطیف مازندران باقی خواهد ماند.

از مجموع بیش از ۶ میلیون هکتار از جنگل‌های شمال در اوایل انقلاب تنها ۲/۳ میلیون هکتار آن باقی مانده است. از سوی دیگر به گفته کارشناسان محیط زیست، رودخانه‌های مهم مازندران از جمله هراز، سیاه رود، بابلسر، تالار و تجن همگی در اثر وارد شدن «پس‌آب» کارخانجات صنعتی و تخلیه فاضلاب‌های منازل، افزایش سموم نباتی در باغات و شالیزارها آلوده شده و این آلودگی حیات آبریزان را در معرض نابودی قرار داده است.

آلودگی آب در مازندران باعث بروز بیماریهای مختلف از جمله مالاریا، سل، هیاتیت و بیماریهای پوستی نظیر گال و سالک در بین مردم شده است.

آلودگی آب در مازندران باعث بروز بیماریهای مختلف از جمله مالاریا، سل، هیاتیت و بیماریهای پوستی نظیر گال و سالک در بین مردم شده است.

## صید بی‌رویه ماهیان خاویاری دریای خزر

روزنامه ایسوزستیا با اشاره به وجود ۹۰ درصد ماهیان خاویاری جهان در دریای خزر و افزایش فزاینده تقاضا در بازارهای جهانی به خاویار، هشدار می‌دهد که روند کنونی صید بی‌رویه می‌تواند در صورت فقدان هماهنگی کشورهای حاشیه دریای خزر، این دریا را به عرصه منازعات بین‌المللی تبدیل کند. با کاهش صادرات خاویار، بهای آن نیز نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد افزایش یافته است



## سبزی جنگل‌های گیلان رنگ می‌بازد

مکعب و ۴ شرکت خصوصی ۲۰۰ هزار متر مکعب برداشت دارند. در عین حال سالانه یک میلیون و ۲۵۰ هزار متر مکعب چوب توسط سودجویان و نیز جنگل‌نشینان برداشت می‌شود.

در استان گیلان یک درخت بومی بنام ملج وجود دارد که بدلیل برداشت بی‌رویه، نسل آن در حال نابودی است. در جنگلهای گیلان ۱۵۰۰ پارچه آبادی زیر ۲۰ خانوار زندگی می‌کنند. پراکندگی این خانواده‌ها و چرای دام آنها که بیش از ۱/۸ میلیون راس می‌باشد و در سال ۴۸۰ میلیون اصله نسیال را از بین می‌برد، ضربه جبران‌ناپذیری بر پیکر جنگل و فضای سبز کشور وارد می‌شود.

به گفته کارشناسان منابع طبیعی برداشت غیر مجاز سالیان بیش از یک میلیون متر مکعب از جنگل‌ها، حیات جنگل‌های گیلان را تهدید می‌کند. برداشت‌های غیر مجاز ۲۰۰ درصد بیشتر از برداشت‌های علمی و مجاز در این استان است.

این برداشت‌ها، توان رویش و تجدید حیات جنگلهای گیلان را غیر ممکن کرده است. برداشت‌های غیر علمی و غیر اصولی اثرات زیان‌باری بر کشاورزی گیلان دارد. در استان گیلان ۵۵۰ هزار هکتار جنگل وجود دارد. بگفته یکی از کارشناسان، شرکت شثارود ۲۰۰ هزار متر مکعب چوب و ۸ شرکت تعاونی ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار متر

## ۱۵۰ هزار ماهی

## در تالاب انزلی نابود شد

هزار ماهی بر اثر آلودگی‌های زیست محیطی در تالاب انزلی تلف شدند. بگفته همین کارشناس، هم‌ساله بیش از ۲ تا ۵ تن فلزات سنگین، ۶۰ تا ۲۰۰ هزار تن مواد نفتی و ۵ میلیون تن مواد آلوده‌کننده میکروبی از طریق رودخانه‌های اترک، توار و نکاوران وارد دریای خزر می‌شود.

هرساله بیش از یکصد هزار لیتر پس‌آب‌های آلوده حیاوی انواع پودرهای شیمیایی، سموم کشاورزی، فاضلاب‌های صنعتی و پاک شونده وارد تالاب انزلی می‌شود. بگفته یکی از کارشناسان مرکز تحقیقات شیلات گیلان سال گذشته بر اساس آمارهای محیط زیست، در چند نوبت بیش از ۱۵۰

بنوشته روزنامه روسی ایسوزستیا نسل ماهیان خاویاری دریای خزر در معرض نابودی کامل قرار گرفته است. ایسوزستیا می‌نویسد: «در حالیکه ماهیگران شوروی سابق در دهه ۷۰ و ۸۰ سالیانه ۲۷ تا ۳۰ هزار تن ماهی خاویاری صید می‌کردند، در سال ۱۹۹۵ دولت‌های ساحلی شامل روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان تنها یک‌هزار تن صید داشته‌اند و در صورت ادامه وضع فعلی، نسل ماهیان خاویاری طی سه سال آینده منقرض خواهد شد.»

## اطلاعیه حزب دمکرات کردستان ایران

حزب دمکرات کردستان ایران تحت عنوان تشکر و تقدیر اطلاعیه‌ای صادر کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است:

«در نقطه مقابل بی‌زاری و ناراضی‌ها که علیه جمهوری اسلامی برآه افتاده موجی کم‌نظیر از پشتیبانی و احساس همدردی نسبت به کردهائی آواره ایرانی، به حزب دمکرات کردستان ایران و به جنبش رهاییبخش مردم کردستان ایران به راه افتاد که واقعاً موجب خوشحالی و افتخار بود.»

در پایان این اطلاعیه آمده است: «دقت سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران بدین مناسبت ضمن تاکید بر این

## تشدید تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا

به دنبال تصویب قانون داماتو در مجلس آمریکا و امضای آن توسط کلینتون، از سوی سازمان اتحاد فدائیان خلق اطلاعیه‌ای صادر شد که بخشهایی از آن در زیر می‌آید:

امضای قانون داماتو که اندکی بعد از شکست آمریکا در اجلاس سران هفت کشور صنعتی، در جلب دیگران به تحریم جمهوری اسلامی صورت گرفت، در واقع در وهله اول، تهدید آشکار متحدین اروپائی آمریکاست، که حاضر نیستند بنا به خواست آمریکا از منافع اقتصادی کلان خود در ایران چشم‌پوشی نمایند.

ما نه اقدامات دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی را، نشانه حمایت از خواستهای بحق و دمکراتیک مردم ایران در رهائی از جهنم جمهوری اسلامی می‌دانیم و نه ممانعت اروپا با این رژیم را چیزی جز در جهت مشروعیت بخشیدن به امحاء حقوق مردم ایران؛ و عمیقاً اعتقاد داریم که نقطه عزیمت این هر دو موضع، منافع

## حکایت این حرفه بی‌پیر

در شماره ۱۱۰ نشریه آدینه در رابطه با روز جهانی ارتباطات مقاله‌ای با قلم مسعود بهنود و با عنوان «حکایت این حرفه‌ای بی‌پیر» درج گردیده. در این مقاله آقای بهنود به ذکر مشکلاتی که نویسندگان مطبوعات در تاریخ ایران با آن مواجه بوده و رنجهایی که متحمل شده‌اند پرداخته است. وی می‌نویسد: «پس از به توپ بستن مجلس کسانی چون میرزا جهانگیرخان، ملک‌المکلمین و قاضی ارداقی گرفتار آمدند و کسان دیگری چون تقی‌زاده، تربیت و دهخدا موفق به فرار گردیدند. پس از آنکه بساط ظلم محمد علی شاه برچیده شد، تبعیدیان برگشتند و کسانی چون دهخدا به انتشار روزنامه پرداختند ولی در اثر فشارهای گوناگون که به وی وارد آمد روزنامه‌نگاری را رها کرده و به نوشتن اثر جاودانی خود لغت‌نامه پرداخت. دیگران نیز همه با همین حکم روبرو شدند. میرزا حسن‌خان رشیدی به فرهنگ رو کرد، مساوات، تقی‌زاده و کاظم‌زاده ایرانشهر به راهی دیگر. در طول سالیان جز میرزا جهانگیرخان که سر حلقه شیدان قلم بود عشقی (مدیر قرن بیستم) فرخی یزدی (مدیر طوفان) محمد مسعود (مدیر مرد امروز) و حسین فاطمی (مدیر باختر امروز) به خاک افتادند. ملک‌الشعرا بهار از به مرگ رست و شاعری و تدریس سبک شناسی را پیشه کرد و بسیاری چون عباس جلیلی، سعید نفیسی، نصرالله فلسفی و پروین گنابادی راه ادب و خواهد نوشت.»

## مراسم سالگرد دکتر بختیار

روز شنبه دهم اوت به مناسبت پنجمین سالگرد ترور دکتر شاپور بختیار مراسمی از طرف نهضت مقاومت ملی ایران در شهر کلن برگزار گردید. در این مراسم سخنرانان با تکیه بر فرازهایی از زندگی و مواضع دکتر شاپور بختیار از وی تجلیل کردند. آقای پرویز دستمالچی که برای

## اطلاعیه نهضت آزادی

نهضت آزادی در اطلاعیه‌ای در پاسخگویی به برنامه هیت در رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی که این سازمان را مورد حمله قرار داده بود به تشریح مواضع خود در برخی زمینه‌های مورد تاکید در این برنامه پرداخت. در این اطلاعیه در رابطه با مواضع نهضت آزادی در رابطه با جنگ ایران و عراق آمده است: «نهضت آزادی ایران با تمام نیرو از استمرار جنگ علیه ارتش اشغالگر و متجاوز عراق تا زمان فتح خرمشهر حمایت کرد، اما ادامه جنگ را پس از فتح خرمشهر به نفع ملت ایران ندید. نهضت آزادی افتخار می‌کند که علیرغم جو سردی و اختناق زمان جنگ، بی‌هراس از پیامدها صدافانه آنچه را به نفع ملت و مملکت می‌دانست و تشخیص می‌داد با صراحت بیان داشته و با مسئولان مردم در میان گذاشت. نهضت آزادی ایران بر این باور است که انقلاب کالای صادراتی نیست و نمی‌توان با اقدامات نظامی و یا حتی کمکهای خارجی انقلاب را براه انداخت و نظامی را تغییر داد. تنها در صورتی که شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مناسب باشد و ملتی بخواهد می‌تواند با اراده خود حکومت غیر ملی را ساقط نموده و حکومت دلخواه خود را مستقر سازد. ادامه جنگ به منظور سقوط رژیم بغداد غیرواقع‌بینانه بود.»

در ادامه اطلاعیه در پاسخگویی به برنامه هیت که مطرح کرده بود نهضت آزادی ایران آزادی را بر عدالت اجتماعی و استقلال مقدم می‌شمارد آمده است: «آن آزادهایی که نهضت آزادی بر آن پای می‌نهد شامل آن دسته از حقوق و آزادیهای اساسی ملت است که در فصل سوم قانون اساسی تصریح گردیده است.»

در پاسخ به اتهاماتی که به نهضت

## محکومیت حمله پاسداران

مقامات بین‌المللی می‌خواهیم که برای جلوگیری از ادامه و تکرار چنین اعمالی، رژیم آخوندی را محکوم و از طریق دیپلماتیک تسحت فشار بگذارند.»

اعلامیه با شعار «مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم، زنده باد آزادی» پایان یافته است.

## انتشار کتاب:

«ملت و خرد - در باره پیدایش آگاهی ملی»

آنکه تنها دو قرن از انقلاب کبیر فرانسه سپری شده، چنین می‌نماید که ملت شکل «طبیعی» زندگی اجتماعی. گویا هزاران سال اشکال دیگری وجود نداشته‌اند. گویا در آینده اشکال دیگری ضرورت نخواهند یافت.»

نام و مشخصات کتاب

Maziar Jafroodi  
Nation und Vernunft - Zur Entstehung des Nationalbewusstseins  
ISBN 3-925679-38-3  
Verlag für die Gesellschaft

مآزیا جافروودی همکار نشریه کار، اخیراً کتابی با عنوان فوق به زبان آلمانی منتشر کرده است. نویسنده در معرفی کوتاه موضوع این کتاب نوشته است: «از هنگامیکه آگاهی اجتماعی پدید آمد، احتمالاً حس گروهی نیز شکل گرفت. اما بر خلاف حس تعلق مذهبی و یا احساس تعلق به قبیله و طایفه، آگاهی ملی با جوامع سنتی بیگانه بود. پیدایش توانایی در مفاهیم ملی محصول تحولات اقتصادی و فنی معاصر است که بر ویرانه‌های اشکال ادراک جمعی سنتی صورت گرفته است. با این وجود امروز علیرغم

<p>فرم درخواست اشتراک «کار»</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/> شماره اشتراک: ( )</p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یک سال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: _____</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p>		<p>بهای اشتراک «کار»</p> <p>اروپا:</p> <p>شش ماه - ۴۵ مارک</p> <p>یک سال - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>شش ماه - ۵۲ مارک</p> <p>یک سال - ۱۰۴ مارک</p> <p>GER.....3 DM</p>		<p>«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <p>Verleger: I.G.e.v</p> <p>دارنده حساب: I.G.e.v</p> <p>شماره حساب: 22442032</p> <p>کد بانک: 37050198</p> <p>Stadtparkasse Koeln</p> <p>Germany</p> <p>Germany</p> <p>شماره فاکس: 0049 - 221 - 3318290</p>	
---	--	---	--	--	--

## به مناسبت هفته تامین اجتماعی

# مردم: ما شکایت داریم!

جمهوری اسلامی هفته‌ای دارد به نام هفته تامین اجتماعی. هر ساله به این مناسبت، مسئولین دولتی، وسایل ارتباط همگانی و کسانی که رژیم آن‌ها را نمایندگانی کارگران و سازمان‌های کارگری می‌خوانند، در مورد پیشرفت‌هایی که در جهت تامین اجتماعی صورت گرفته است، گزارش و آمارهایی ارائه می‌کنند. بیمه‌های اجتماعی سیستم گسترده‌ای از حمایت‌های دولتی از بازنشستگان، بیکاران، پیران و از کار افتادگان، خدمات بهداشتی و درمان و مراقبت‌های پزشکی را شامل می‌شود. مطابق گفته‌ها و گزارش‌های رسمی امسال، نتیجه فعالیت‌های جمهوری اسلامی در همه عرصه‌های فوق



چشگیر و غرورآفرین است. بیش از بیست میلیون نفر تحت پوشش بیمه‌های درمانی قرار گرفته‌اند، بودجه درمانی سازمان تامین اجتماعی در عرض ۵ سال ۸۹ میلیارد تومان اضافه شده و به یک صد میلیون تومان رسیده است. تنها در سال گذشته ۳۴ بیمارستان و درمانگاه توسط سازمان تامین اجتماعی ساخته شده، بیمه شدگان در واحدهای درمانی «هیج گز» هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند. ۱۷ میلیارد تومان جهت رفع مشکل مسکن کارگران اختصاص یافته، حداقل مستمری بازنشستگان به ۲۰ هزار تومان افزایش یافته و... دولت با جدیت مشغول بهبود و گسترش باز هم بیشتر شبکه تامین اجتماعی در کشور است.

هم‌زمان با این اظهارات و آمارها، گوشه‌ای از نظرات مردم نیز در برخی از روزنامه‌ها به چاپ می‌رسد که تصویری کاملاً متفاوت از آن چه مسئولین می‌گویند را نشان می‌دهد. مسئوری کارگر یکی از کارخانه‌های تولیدی می‌گوید: شما سری به بیمارستان‌های سازمان تامین اجتماعی بزنید. هزینه‌های کمرشکن آن‌جا اصلاً متناسب با درآمدهای ما بیمه شده‌ها نیست. اخیراً مخارج آن‌ها خیلی زیاد شده است. ما اگر بیمه هستیم و حق بیمه پرداخت می‌کنیم پس چرا باید این همه پول را بپردازیم؟ در حقیقت این بیمارستان‌ها خصوصی هستند. چون هم‌ماش در فکر درآمد بیشتر هستند. انگار نمی‌دانند چه کسانی به این بیمارستان‌ها می‌روند. امروز با بالا رفتن هزینه‌های درمان، روز به روز نسبت به هزینه‌های درمان خود ناتوان‌تر می‌شویم. بازنشستگان سراسر کشور در نامه‌ای که به مناسبت هفته تامین اجتماعی برای مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی فرستاده‌اند و در روزنامه کار و کارگر چاپ شده است، نوشته‌اند: حق ما را بدهید، باقی قضایا پیشکش! در این نامه که به امضای بازنشستگان شهرستان‌های قائم‌شهر، سواد کوه، بوشهر، تهران، اصفهان، شیراز، اهواز، کرمانشاه، سمنان، ورامین، شهربری، بوشهر و قزوین رسیده است، آمده است: استمرار در

برقراری حق سنوات سالیانه برای بازنشستگان با بیش از ۲۰ سال سابقه کار و افزایش مبلغ ریالی آن، افزایش حقوق متناسب با تورم و افزایش هزینه‌های زندگی برای مستمری بگیران، برقراری کمک هزینه مسکن همانند شاغلین برای بازنشستگان بر اساس مصوبه شورای عالی کار و هیات دولت، خواسته ما بازنشستگان است. در پایان این نامه تاکید شده است: مسئولین سازمان تامین اجتماعی موظفند که به خواسته‌های برحق ما رسیدگی کنند.

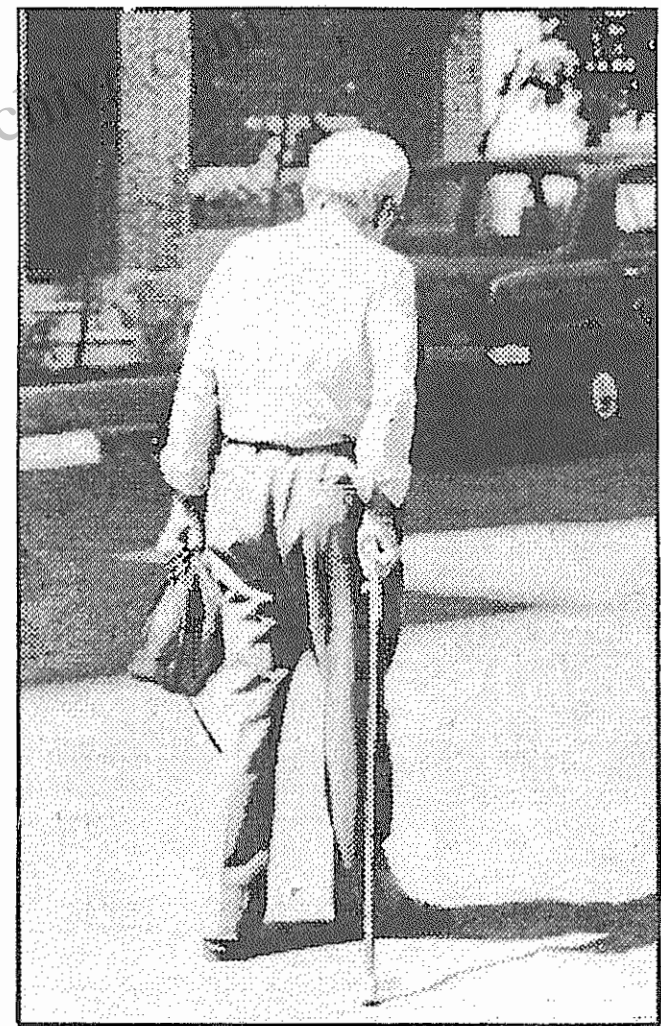
دشوار نیست داوری در این زمینه که چه کسانی حقیقت را می‌گویند: مسئولین دولتی یا مردم؟

## اعتصاب‌های کارگری علیه گرانی و خودسری کارفرمایان

بحران کنونی ایران، زندگی کارگران را به سرعت رو به وخامت می‌برد. کارگران حقوق‌های ناچیز خود را نیز به موقع دریافت نمی‌کنند. قانون کار جمهوری اسلامی که حقوق بسیار اندکی از کارگران را به رسمیت شناخته است، توسط سرمایه‌داران نادیده گرفته می‌شود. دولت هیچ‌گونه نظارتی بر اجرای این قانون ندارد و سرنوشت کارگران را به دست کارفرمایان سپرده

غیره می‌باشد. در کارگاه‌ها و واحدهای کوچک، وضع کارگران بسیار بدتر است. یک کارگر وضع خود و همکارانش را در یک واحد تولیدی کوچک چنین توصیف می‌کند: «کارفرما قوانین کار را رعایت نمی‌نماید. منیاب مثال، حق و حقوق را کمتر از مصوبه شورای کار پرداخت می‌نماید، به بهانه‌های واهی حقوق را کم و زیاد می‌نماید، مرخصی‌های حق را به حساب غیبت و مشمول کسر حقوق منظور می‌نماید، از دریافت شناسنامه کار و بن کارگری خودداری می‌نماید، حوادث کار را به حساب غیبت کارگران منظور نموده و از پرداخت حقوق ایام استراحت کارگران خودداری می‌نماید».

اعتصاب و اعتراض یگانه سلاحی است که کارگران در برابر این وضع در اختیار دارند. بنا به گزارش‌های رسیده از ایران، در هفته‌های اخیر چندین اعتصاب کارگری علیه گرانی و خودسری کارفرمایان در نقاط مختلف برپا شده است. در روز یکشنبه ۲۱ مرداد ماه، کارگران پالایشگاه تهران در یک گردهمایی به افزایش روزانه حقوق و قیمت کالاهای اساسی اعتراض کرده و قیام‌ها و تظاهراتی در حمایت از خود شدند. در رشت، کارگران شرکت کاشی گیلان که بیش از دو ماه است حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، در برابر اداره کار شهرستان رشت گرد آمده و خواهان رسیدگی به مشکلات کارگران



این کارخانه شدند. به گفته نمایندگان کارگران، از نیمه دوم سال ۷۳ که شرکت آ. س. کارگستر شرکت کاشی گیلان را خریداری کرده، مشکلات کارگران از جمله عدم پرداخت به مرقع حقوق و بن کارگری تشدید شده است.

در خوزستان کامیون‌داران و رانندگان اتوبوس‌های میان شهری در اعتراض به افزایش مداوم بهای ابزارهای یدکی و لاستیک اعتصاب کرده‌اند.

در شهر دو گنبدان، نانواهایی شهر در اعتراض به وضع نابسامان توزیع آرد، دست به اعتصاب زده‌اند.

اما جنگ غرض‌دار و بی‌غرض نمی‌شناسد، جنگ چشمپا را کور می‌کند. تعصب، خشم و کینه چنان پرده‌ای در مقابل چشم می‌کشند که برادر، برادر را نمی‌شناسد، جنگ نخست انسانها را دیوانه می‌کند و بعد آنها را به جان هم می‌اندازد. جنگ آفرینان چنان هیجان‌گیزی را می‌آفریند که دوست خنجر در قلب دوست می‌نشانند.

من این دیوانگی، این بربریت را دیدم، دیدم که چسان انسانها در یکشب از اوج منزلت انسانی فرود بیایند و به درندگانی تبدیل شوند که حیوانات از وجودشان شرم کنند. دسته‌های غم سیاه برافراشتند، قرآن بر سر دست گرفتند که حق مائیم و هر کس غیرماست ناحق است و باید نابود شود. دسته‌های دیگر پرچم سرخ پرافراشتند که حق مائیم، ترقیخواه و آزادمش و هر کس زیر این پرچم نیست دشمن است و باید نابود شود. اکنون پنج سال است که غم‌ها جنگ می‌کنند و ما مردم غریب بی‌غلم تاوان آنرا می‌دهیم، مرگ، گرسنگی، درگیری و ماتم حاصل کار این حقگو است. من به چشم خود دیدم که چه‌سان دخترهای نابالغ را از خانه‌ها بیرون کشیدند و تجاوز کردند. پسران جوان را در مقابل مادرانشان شقه نمودند.

در اینجا، در گورگان تپه خانه‌ای نیست که غارت نشده باشد. اول از خانه کسانی شروع کردند که تلویزیون رنگی داشتند، بعد نوبت ضبط‌صوت‌دارها، یخچال‌دارها رسید و سرانجام به زیلوی خانه‌ها نیز رسیدند. تمام اراذل و اوباش، ولگردهای خیابانی و زنانه‌ان فراری نیروی این غم‌ها بودند.

یک دسته از این اراذل یکشنبه ریش گذاشتند، از قعر گورهای مذهبی سر برآوردند، آیه خواندند و به ازای هر آیه انسانی را کشتند. خانه‌ای را چپاول کردند. دسته‌ای دیگر ستاره سرخ بر سینه زدند، از شهر کولاب نازل شدند. تمام عرق‌خورها و عیاش‌ها و معادها سلاح گرفتند و جنایت آفریدند.

وقتی بند از پای هیولا برمی‌دارند و دیوارها را از شیشه آزاد می‌کنند، چه کسی می‌تواند جلدار آنها شود. سلاح بی‌کنترل شیویر قدرت‌نمایی می‌آفریند و کسی که نخستین نمایش قدرت‌نمایی را داد، همان غول آزاد شده است.

جنگ‌افروزان کسانی که هیچوقت دیده نمی‌شوند و نامشان نیز گرفته نمی‌شود، همیشه از این چراغهای جادو بسیار دارند.

اکنون سالها است که این سرزمین در کشمکش این انسانهای چراغ‌بدست نامرئی که بسخشی در گرمین نشسته‌اند، بخشی در کاخ سفید، بخشی در ایران، افغانستان، ازبکستان و عربستان درگیر است.

در غم و ماتم و در خون خود غوطه می‌خورد و مادر تاجیک در جستجوی جنازه فرزندانش پیر می‌شود. حال صدها و هزارها زن هستند که شب و روز نوحه می‌خوانند، زمین را با ناخن و پنجه شیار می‌دهند و می‌کاوند تا شاید لااقل اثری از گمشده‌های خود را بیابند.

شب به خانه‌مان ریختند، زانو زدیم، التماس کردیم، هر چه داریم بربید، اما غم را، پسر را بماند، ما را با کسی غرضی نیست، اما آنها رحم نکردند. دست و پای همسر و پسر را بستند. در ماشین نظامی انداختند و عروسیم را در مقابل چشمهای وحشت‌زده همین کودکان تجاوز کردند و بعد با گلوله سوراخ، سوراخ نمودند. به همه جا رفتیم، به تمامی گورستانها سر کشیدیم. دره‌های اطراف شهر را یک به یک کاویدیم، تمامی

## «از طریق مسکو در مسیر جاده ابریشم»

ابوالفضل

قسمت هفتم

در قرون وسطی زندگی می‌کنند، بی هیچ پیچیدگی قرن بیستم. به یک مویزگرمی‌شان می‌شود و به غوره‌ای سردی می‌کنند. در آن واحد خشم می‌گیرند خون در چشمهایشان می‌گردد چنان که وحشت می‌گیرد و به لحظه‌ای دیگر چنان آکنده از مهربانی و گذشت می‌شوند که شرمند حضورشان می‌شوی.

مردمی که می‌توان به جرئت گفت: قریب به اتفاق هنوز در گذشته تاریختان زندگی می‌کنند. هنوز باورهایشان عمدتاً نشأت گرفته از افسانه‌های چنانچه از قهرمانان اساطیری است. در عصر شاهنامه، در عصر پهلوانی‌ها. بیشتر اسامی برگرفته از شاهنامه است.

وقتی زبان به ستایش کسی می‌کشاید او را بسوی (boy) یعنی پهلوان) می‌خوانند. جوانها آنگاه که استخوان قرص می‌کنند نخست سینه جلو می‌دهند، با بازوان گشوده به اطراف به حرکت در می‌آیند و خود را کمتر از پهلوانان شاهنامه نمی‌دانند. آنها عمدتاً ذهنیشان در همان چهارچوب شکل یافته است، گوئی که آنها را با زمان حال و آینده کاری نیست.

ریش سفیدان حجت نهائی‌اند، آنها بر تار و پود جامعه تسلط دارند، چنانکه جوانان نیز در سخن در سیمای پیران ظاهر می‌شوند و هم از این‌روست که جامعه تاجیک امروز یکی از عقب مانده‌ترین کشورهای شوروی سابق است. هیچکدام از خلقها به اندازه تاجیکها در مقابل سیستم نظری شوروی مقاومت نکرد.

ذهنیت حاضر آنها شکلی سوسیالیستی گرفت اما ذهنیت غایب و تاریخی آنها پیوسته تاجیک ماند در همان جایی که انقلاب آنها قطع کرده بود. آنها در سیستم سوسیالیستی کار کردند. درس خواندند. شیوه زندگی آن را ستودند، اما باورهایشان در همان چهارچوبی که ریش سفیدها مقتدیشان کرده بودند باقی ماند. هم از این‌رو بود که بلافاصله بعد از فروپاشی شوروی نخستین خاستگاه جریان‌های ارتجاعی گردید.

آنها وقتی می‌خواهند تصویری را ارائه دهند آن را از زبان حافظ، رودکی و بخصوص فردوسی بازگو می‌کنند. شعر، سرود و مَثَل بخش زیادی از گفتارشان را تشکیل می‌دهد که لزوماً بر رفتارشان نیز تأثیر می‌کند.

آنها را می‌توان گفت، تنها جمهوری‌ای هستند که بیشتر افراد آن هنوز بر سیاق قرن‌ها قبل لباس می‌پوشند. لباس‌های بلند و ساده زنان با رنگهای روشن و تیز که می‌توان نمونه‌های آنها را تنها در موزه‌های تاریخی دید. در روستاها هنوز مردان چین‌های بلند می‌پوشند. دستار بر سر می‌بندند، چکمه‌های دست‌دوز بر پا می‌کنند و با شالی که دور پیراهن پیچیده‌اند سیمای میناتورهای قرن هفتم را می‌گیرند.

اکثر خیابانها به نام شعرا و نویسندگان پارسی‌گوی گذشته است. هر بنای بزرگی که ساخته‌اند مسلماً مجسمه‌ای از بزرگان علم و ادب ایران را بر سردر آن نصب کرده‌اند. تالار رودکی، تالار باربد، و ...

بزرگترین میدان شهر، میدان فردوسی است. با مجسمه بسیار عظیمی از فردوسی که برجای سابق مجسمه‌های نین برافراشته‌اند. با دست‌هایی که بطور سمبلیک آتش جاودانی را در میانه گرفته‌اند. «بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی»، نصب این مجسمه اولین تغییری بود که تاجیکها بعد از فروپاشی اتحاد سابق شوروی در این سرزمین انجام دادند.

ادامه دارد

انبارهای متروکه را که شبانه رسیده شدگان را در آنجا تیرباران می‌کردند. آنقدر جنازه دیدم که تا آخر عمر فراموش نخواهم کرد. جنازه‌هایی که بی‌صاحب در کوچه افتاده بودند، در باغهای خارج از شهر، در دره‌ها و حیوانات آنها را دریده بودند، همه یاش (جوان) بودند.

در انبارهای متروکه ده‌ها جنازه دیدم که هنوز خورشان خشک نشده بود. جنازه پسر خواهرم را در یکی از همین انبارهای متروکه یافتیم همراه پسر همسایه‌شان. او هفده سال داشت. اما جنازه شویم و پسر را نیافتیم. همان شب که برگشتم نواسه‌ام (نوه‌ام) گفت: «آچه‌جان (مادربزرگ) سویت سفید شده». او موی سرم را دید، اما موی سفید شده قلبم را ندید. امروز یگان عائله تاجیک نیست که در این جنگ لعنتی کشته ندهاده باشد. از همین کوچه ما حداقل بیست نفر کشته شده‌اند.

سی سال پیش این شهر گورگان تپه یک باتلاق بود محل انواع مرض‌ها. ما مردمان از قرنی، از درواز به اینجا آمدیم، ما را کوچاندند. ما اینجا را ساختیم، محنت کشیدیم. نسل ما، نسل کار و زحمت بود، نسل امیدآفرین، نسل باورها. ما اینجا را گلستان کردیم. اما کسانی که در همان مرقع نیز تن بکار نمی‌دادند، امروز آن را نابود کردند.

سالها خواهد گذشت، ما پیران خواهیم رفت، کودکان در رنج و محنت بزرگ خواهند گردید و یاد ما نیز فراموش خواهد شد. چرا که امروز تمامی آن باورها را ویران می‌کنند، تمام آنچه که دیروز خوب و زیبا خوانده می‌شد، امروز به زشتی یاد می‌شود. فردا کسی نخواهد توانست بگوید که گناهکار چه کسی بود، چرا که تاریخ را همیشه پیروزمندان می‌نویسند. در این نوشتن و پاک‌کردن‌ها بسیار گم می‌شوند، چهره‌های پاک غبارآلود می‌گردند و بسا چهره‌های پلید که غسل تعمید می‌شوند و جلا می‌یابند. کما اینکه امروز چنین شده است. در هیچ کجای تاریخ نوشته نخواهد شد که شویم، پسر و عروسیم به چه گناهی کشته شدند و گناه از چه کسی بود. اما آنچه که روشن است، و واقعیت دارد چهار طفل، دیروز نازدانه و امروز یتیمی است که برای یک گرده نان شب محتاجند، با مادر بزرگی که به سنگینی کوه پامیر غم بر شانه‌های خود دارد و بی‌هیچ امیدی آینده را به انتظار نشسته است».

دانه‌های اشک از چشمهای مهربان و غم‌گرفته تاجیک‌های اش که سادگی و پاکی تاریخی در آن موج می‌زند، فرو می‌غلطد، با گوشه روستری اشکیار می‌سترد و می‌گوید: «غم زیاد است. اما هممان در خانه درآی. اگر نان نیست چای سبز داریم. هنوز هممان قلبم را شاد می‌کند هر خانه‌ای که هممان در آن را بگوید و به درون آید، خیر و برکت نصیب آن خانه می‌شود. هممان در خانه آی».

در میان چنین غم و اندوهی چه‌سان حرمت هممان هنوز پاس داشته می‌شود و مادر داغ‌دیده، غم خود را فرو می‌خورد و شادی را نثار هممان می‌نماید.

این تنها در تاجیکستان ممکن است. سرزمین کوهپای بلند، رودهای فرخوش با آفتابی که پیوسته بر تو می‌تابد، سرزمینی که هنوز فضای آن آکنده از بوی تاریخ گذشته است. هنوز شب هنگام می‌توانی در نسیم شامگاهی صدای چنگ رودکی را بشنوی که بوی جوی مولیان را توتم می‌کند و امیرنصر را بی‌موزه از خیمه به سوی بخارا می‌کشاند. هوای پاک، انسانهایی با باورهای دیرینه و آن چنان ساده که گوئی هنوز

## بن بست مسکو در چچن

له‌بد خواستار برکناری وزیر کشور روسیه شد



بعد از ملاقات با کمیسیون امور چچن، خواستار تقویت ارتش در روسیه شد. یلتسین، لوبو مسئول امور چچن را کنار گذاشت و الکساندر له‌بد را مسئول امور چچن کرد و له‌بد برای مذاکره به داغستان و چچن رفت.

حکومت طرفدار روسیه در چچن اعلام کرد که نیروهای نظامی روسیه دچار ضعف رهبری شده و نتوانستند از شهر گروسی دفاع کنند. در جنگ شدید بین نیروهای شورشی و نیروهای نظامی روسیه، مردمی که نتوانسته بودند از شهر بگریزند، به زیرزمین‌ها پناه بردند. عده زیادی در این جنگ زخمی شدند بگونه‌ای که بیمارستانها توانایی پذیرش مجروحین را نداشتند.

خبرگزاری ایستار تاس مسکو گزارش داد: حداقل ۵۵ هزار تن از مردم از شهر گریخته و به شهرهای اطراف پناه بردند. ارتش روسیه موقع عقب‌نشینی بدون هدف مردم را زیر رگبار گلوله قرار داد. روزنامه‌های مسکو نوشتند که نیروهای نظامی روسیه موقع عقب‌نشینی از یک بیمارستان محاصره شده، ۲۰۰ تن افراد غیر نظامی را به عنوان سپر دفاعی خود استفاده کردند. در یک حمله هوایی به یک کامیون حامل افراد غیر نظامی که از شهر

کمتر از دو ماه پیش بود که یلتسین در تسلیحات انتخاباتی ریاست جمهوری روسیه وعده داد مسئله چچن بزودی از طریق سیاسی حل خواهد شد. او دو روز قبل از انتخابات با چندین تن از نمایندگان شورشیان چچن در کرملین به گفتگو نشست و بر حل صلح‌آمیز مسئله چچن تاکید کرد. هنوز چند روز از انتخاب مجدد یلتسین به ریاست جمهوری نگذشته بود که هوایم‌های جنگنده روسی بار دیگر به بمباران شهرهای چچن از جمله گروسی دست زدند و در این حملات مانند قبل بیشترین تلفات از میان غیر نظامیان بود و هنگامیکه در نیمه اوت در مراسم تحلیف یلتسین برپا بود درگیری‌های نظامی سنگینی در گروسی جریان داشت. از دهم اوت شورشیان چچن دست به حمله مجدد و شدیدی برای بازپس‌گیری مواضعی که ۱۹ ماه از آن بیرون رانده شده بودند، زدند. آنها شهر گروسی و مرکز اصلی دولت طرفدار مسکو را به تصرف درآوردند. نیروهای نظامی روسیه ناچار شدند از شهر عقب‌بنشینند. بیش از ۷۰۰۰ تن از افراد نظامی در محاصره نیروهای جنگجوی چچنی قرار گرفتند. آنها ادعا کردند که با این حمله خواستار جلب توجه جهانیان به مسئله چچن هستند. چرنومیردین

## حکم اجباری طلاق برای نویسنده مصری

می‌گریختند، ۲۹ تن کشته شدند و در یک تشییع جنازه مردم مورد حمله نیروهای نظامی قرار گرفته و ۶ تن کشته شدند.

### مذاکرات برای

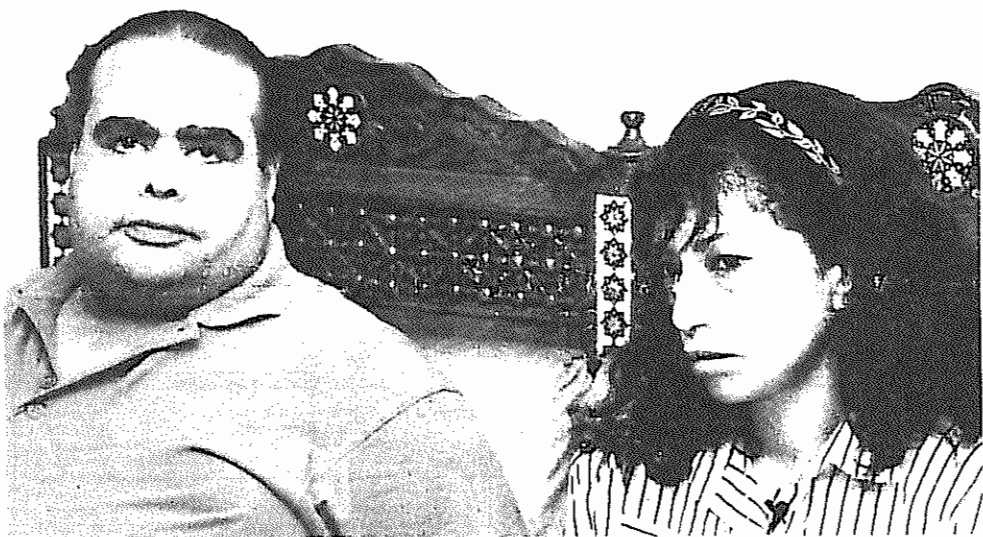
### برقراری آتش بس

بدنبال تلاشهای له‌بد و مذاکرات پولیکوفسکی فرمانده ارتش با ارسلان ماشادف نماینده جنگجویان چچن، طرف چچنی اعلام کرد که در پی این مذاکرات از ۱۴ اوت آتش بس اعلام خواهد شد. مسکو در این مورد سکوت کرد تا اینکه صبح روز چهاردهم اوت اعلام نمود که هیچگونه توافقی بین دو طرف وجود نیامده است.

له‌بد بعد از بازدید از چچن اعلام کرد: وضعیت ارتش اسفناک است، ارتش باید چچن را ترک کند. حکومت دست‌نشانده نفوذی در بین مردم ندارد. کابینه جدید چرنومیردین روز ۱۵ اوت در کرملین معرفی شد. در این کابینه پریماکف وزیر امور خارجه و آناتولی کولیکف وزیر کشور مسئولیت‌های خود را حفظ کردند. یلتسین این کابینه را ترکیب افراد گاردان ذکر کرد. فردای آن روز له‌بد تهدید کرد که نام تمامی کسانی که در این جنگ مسئول هستند را اعلام خواهد کرد. بهترین سربازان و جوانان چچن و روس یکدیگر را می‌کشند بدون اینکه بدانند برای چی؟ له‌بد از یلتسین خواست که وزیر کشور کولیکف را تعویض کند. کولیکف در سال ۹۵ عملیات چچن را رهبری می‌کرد. له‌بد او را به چسبندگی و تحریک مردم متهم کرد و گفت که کولیکف قصد داشته است که کشورهای همسایه

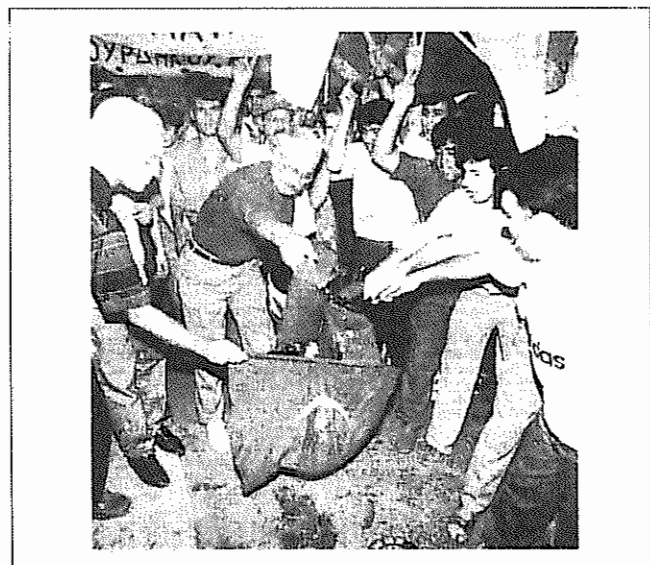
هفته گذشته دادگاهی در مصر به طلاق اجباری نویسنده مصری ناصر حمید ابوسعید استاد زبان شناس مصر از همسرش رای داد. «گناه» ابوسعید آن است که در کتابهایش ضمن اعتقاد به منشأ متافیزیکی قرآن خوان تفسیری روزآمد و متناسب با نیازهای زمان سوره‌ها و آیات آن شده است. این نویسنده و همسرش بدنبال تهدیدات مکرر که زندگیشان را در خطر قرار داده بود، از پائیز گذشته در هلند زندگی می‌کنند. عکس‌العمل او در مقابل این خبر آن بود که ما هنوز امیدمان را از دست نداده‌ایم و توسط وکلایمان در مصر این پرونده را دنبال می‌کنیم

اکنون ۳ سال است که ماجرای ابوسعید در دادگاههای مصر جریان دارد. در حالی برای برخی از قضات دادگاهها، ارتداد ابوسعید امری مسلم است، برخی دیگر کلاً از پذیرش این پرونده خودداری می‌کنند و این بحث در مجامع حقوقی مطرح است که آیا اصولاً بنیادگرایان اسلامی حق دارند که بنا بر تشخیص خود «بر اساس علایق عمومی جامعه اسلامی» مدعی هر فردی شوند. بنیادگرایان اسلامی تاکنون با استفاده از برخی ضعفها در قوانین حقوقی و با توجه به نفوذشان در سیستم قضایی مصر موفق شده‌اند، در مواردی اینچنین حکمهایی صادر کنند. چند ماه پیش



کابینه مصر قوانینی را تصویب کرد که به موجب آن خلا حقوقی در قوانین مصر را که امکانات این نوع شکایات را بوجود می‌آورد از بین می‌برد. ولی معلوم نیست که این قانون شامل عطف به ماسبق شود و در مورد ابوسعید صدق کند. منیت رئیس دفتر سازمان مصری حقوق بشر گفت که ما با یک تراژدی روبرو هستیم. این حکم از آن جهت خطرناک است که دروازه‌ای را به روی اسلامی‌ها می‌گشاید که بر اساس آن دیگران را بخاطر تفکرات آکادمیک و یا دینی به دادگاه بکشاند و در هر صورت این حکم مانند یک فرمان قتل است.

## ناآرامی‌های گسترده در قبرس



در تظاهرات مردم قبرس بمناسبت ۲۲ مین سالگرد تقسیم آن کشور، ۲ تن کشته و دهها تن زخمی شدند. در این تظاهرات صدها تن از جوانان قبرسی - یونانی ساکن جنوب این جزیره تلاش کردند که با گذشتن از نوار بین دو ناحیه تقسیم شده، به بخش شمالی ترک نشین بروند، سربازان ترک مستقر در این منطقه با حمله به تظاهرکنندگان دوتن را کشته و عده‌ای از آنها را زخمی کردند.

۸۰ درصد ساکنین قبرس را یونانی‌ها و ۲۰ درصد را ترکها تشکیل می‌دهند. در سال ۱۹۶۰ قبرس که از مستعمرات انگلیس بود، اعلام استقلال کرد. در سال ۱۹۶۳ درگیریهای خونینی بین افراسیون دوطرف در گرفت که ناسیونالیستهای مستقر در آنکارا و آتن به آن دامن زدند. دو راه حل از طرف دو کشور یونان و ترکیه

مطرح شد. راه حل یونان، پیوستن یونانی‌نشین‌ها به کشور یونان و بخش ترک نشین به کشور ترکیه بود. راه حل ترکیه تقسیم کشور به دو قسمت یونانی نشین و ترک نشین بود. عملاً راه حل تقسیم برقرار شد. در تابستان ۱۹۷۴ رژیم آن زمان کودتایی را علیه اسقف ماکاریوس رئیس جمهوری وقت قبرس پی‌ریزی کرد. هدف این کودتا الحاق قبرس به یونان بود. ترکیه در مقابل این کودتا واکنش نشان داد و به جزیره قبرس یورش نظامی آورد و به بهانه حفظ جان اقلیت ترک نشین آنجا را تصرف کرد. از آن زمان در قبرس یک نوار ۱۸۰ کیلومتری ایجاد شد که این کشور را با سیم خاردار و موانع ضد تانک به دو قسمت تقسیم کرده است. این نوار توسط ۱۲۰۰ سرباز سازمان ملل که بعد از ناآرامی‌های ۱۹۶۳ در آنجا مستقر شده‌اند حفاظت می‌شود.

بشدت انتقاد کرد که در مقابل فروپاشی خانواده در آمریکا بی‌عمل مانده است. دو هفته پیش کلیتون قانون تمدید کمکهای اجتماعی را امضا کرد. طبق این قانون، شهروندان آمریکا در طول زندگی خود علیرغم هرگونه وضعیتی حق دارند فقط ۵ سال از کمکهای اجتماعی بهره‌گیرند. با اجرای این قانون بسیاری از کودکان، مادرانی که به تنهایی کودکان خود را پرورش می‌دهند و افراد مسن از پوشش کمکهای دولتی بیرون گذاشته خواهند شد. کلیتون با امضای این قانون که به پیشنهاد جمهوریخواهان بود، یک حربه تبلیغاتی را از دست رقیب خود خارج ساخت و خود به معجزی بی‌انتخاب آن تبدیل شد. طبق همه‌پرسی تاکنون کلیتون ۱۰ درصد از رقیب انتخاباتی خود جلوتر است.

باب دول، کاندیدای حزب جمهوریخواه آمریکا:

## تاریخ رهبری دنیا را به آمریکا داده است

انتخاب شدن به ریاست جمهوری مالیات بر درآمد و مالیات بر سود سرمایه را تا ۱۵ درصد کاهش خواهد داد و در عین حال کسری بودجه را تا سال ۲۰۰۲ به صفر خواهد رساند. ناظران اقتصادی می‌گویند که در صورت پیاده شدن سیاست مالیاتی برنامه‌ای باب دول در طی ۶ سال ۶۰۰ میلیارد دلار از درآمد دولت کم خواهد شد. باب دول توضیح نداد که این دو را چگونه در کنار هم پیش خواهد برد. او با تاکید بر مفاهیم «خدا، خانواده، شرافت، وظیفه و میهن» از کلیتون

پیروزی تصمیم دارد که سیستم دفاع موشکی جدیدی را بسازد و از کلیتون انتقاد کرد که قدرت نظامی آمریکا را تضعیف کرده است. او گفت که تاریخ، رهبری را به آمریکا تفویض کرده است. آمریکا در زمان ریاست جمهوری او به هیچوجه استقلال خود را به زیر تسلط سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان ملل یا سازمان تجارت جهانی نخواهد برد. تروپستهایی که به آمریکا حمله کنند تا «آنسوی دنیا» تعقیب خواهند شد. باب دول گفت که در صورت

حزب جمهوریخواه آمریکا در اجتماع خود در سان‌دیگو کالیفرنیا، بساب دول را کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری کرد. این انتخابات در ۵ نوامبر ۹۶ برگزار خواهد شد و باب دول به به رقابت با کلیتون برخاست. سخنان باب دول بر سه محور عظمت‌طلبی نظامی آمریکا، تصویب قوانین مالیاتی به نفع طبقه مرفه و سیاستهای اجتماعی محافظه‌کارانه مسیحی استوار بود. او بر قدرت نظامی آمریکا تاکید کرد و گفت که از فردای